بسم الله الرحمن الرحیم

تست‌نامهٔ

صرف و نحو

مجموعه سؤالات طبقه‌بندی شده
کنکورهای دولتی و آزاد

ویژه آزمون‌های کارشناسی ارشد و دکتری
رشته الهیات، ادبیات عرب و ...

چاپ دوم؛ ویراست دوم؛ سال ۱۴۰۲

بسته‌های آموزشی حافظون
ویژه دروس عمومی رشته‌های الهیات

تست‌نامۀ صرف و نحو
مجموعه سؤالات طبقه‌بندی شده کنکورهای دولتی و آزاد
کارشناسی ارشد و دکتری

چاپ دوم؛ ویراست دوم؛ سال ۱۴۰۲

مؤلف: گروه تالیف موسسه حافظون

ناشر: انتشارات آیات مبیّنات

تمـــاس با مـا

شماره ثابت : ۰۲۱۳۳۵۵۱۷۵۱
شماره همراه : ۰۹۱۹۸۰۰۰۹۷۰
سایت : www.haafezoon.ir
ایمیل : haafezoon@gmail.com
سامانه دریافت پیامک : ۰۲۱۳۳۴۴۲۰۰۵

در فضای مجازی ما را با شناسه haafezoon جستجو کنید.

جهت دریافت اطلاعات تخصصی رشته خود و دریافت فایل‌های مکمل، عدد ۱ را به سامانه ۰۲۱۳۳۴۴۲۰۰۵ پیامک کنید.

مقدمه اول:
معرفی مجموعه قرآنی حافظون

حافظون یک مؤسسه علمی قرآنی است که خدمات تخصصی دانشگاهی و دینی ارائه می‌دهد. اهم فعالیت‌های حافظون عبارتند از:

۱- دبستان قرآنی آیات

دبستان قرآنی آیات با رویکرد کلی تربیت قرآنی از سال ۹۵ در منطقه ۱۲ شهر تهران شروع به فعالیت نمود و در همان اولین سال فعالیت با استقبال کم‌نظیر خانواده‌ها و دانش‌آموزان مقطع ابتدایی مواجه گردید. تولید و اجرای محتوای عمیق دینی، محیط شاد و جذاب، تأکید و توجه به اکثریت ممکن ساحت‌های رشد، آموزش دو زبان انگلیسی (در حد مکالمه) و عربی (در حد فهم متون دینی)، آموزش آکادمیک ورزش‌های مادر (ژیمناستیک و شنا)، بهره‌گیری از شیوه‌های نوین آموزش و دارا بودن محیط کاملاً یک‌دست دینی از ویژگی‌های این دبستان است.

لازم به ذکر است مدل تعلیم و تربیت قرآن محور تولید شده توسط تیم پژوهشی دبستان آیات، توسط معلمان و مدارس زیادی در سطح کشور مورد استقبال و بهره‌برداری قرار گرفته است.

۲- پیش‌دبستان قرآنی آیات

پیش‌دبستان آیات (حافظون) نیز با دارا بودن دو شعبه در سطح تهران، رویکردی متفاوت در زمینه‌ی آماده‌سازی نوآموزان برای ورود به دبستان دارد. فعالیت‌های آموزشی پیش‌دبستان آیات، به‌جای تمرکز بر آموزه‌های اطلاعات محور، بر روی مهارت‌های ماندگار ذهنی متمرکز شده است. بخشی از این مهارت‌ها عبارتند از: دقت و تمرکز، سرعت واکنش، حل مسأله، حافظه کوتاه‌مدت و درازمدت، مهارت‌های اجتماعی، آموزش آداب، مهارت شنیدن و فهم کلام مربی، مهارت فهم، حفظ و عمل به آیات موضوعی و... .

۳- آموزشگاه کنکور تحصیلات تکمیلیِ ارشد و دکتریِ کلیهٔ گرایش‌های الهیات

قدیمی‌ترین فعالیت مجموعه آموزشی حافظون که موجب گردیده مؤمنین فرهیخته در سرتاسر کشور با حافظون آشنا شوند، خدمات حافظون در زمینه کنکور کارشناسی ارشد و دکتری گرایش‌های الهیات است. اکنون بعد از حدود یک دهه فعالیت می‌توانیم با اطمینان مدعی شویم که حافظون، کامل‌ترین، به‌روزترین و مفیدترین خدمات در زمینه تحصیلات تکمیلی الهیات در سطح کشور را به علاقه‌مندان این رشته‌ها ارائه می‌دهد. تنوع خدمات، تنوع رشته‌ها، محصولات به‌روز، آموزش مجازی در منزل و... تنها بخشی از این ویژگی‌هاست.

۱. دوره‌های آمادگی کنکور

کلاس‌های آمادگی کنکور ارشد و دکتری حافظون پرطرفدارترین کلاس‌های کنکور در سطح کشور است. تاکنون بالغ بر ۴۰ دوره‌ی کنکور ارشد و دکتری الهیات توسط حافظون برگزار گردیده است. این کلاس‌ها در سه گرایش قرآن و حدیث، فقه و

مبانی حقوق و فلسفه و حکمت اسلامی و در سه مقطع کارشناسی (ویژه حفاظ قرآن)، ارشد و دکتری برگزار می‌گردد. همه ساله بسیاری از رتبه‌های تک‌رقمی کنکور از خروجی‌های این کلاس‌ها هستند.

۲. بسته‌های آموزشی

درس‌نامه‌ها و تست‌نامه‌های حافظون در سرتاسر کشور و در دانشگاه به دانشگاه کشور بین دانشجویان و داوطلبان دست به دست می‌شود. با اطمینان می‌توان مدعی شد در سه رشته فوق‌الذکر و در دروس عمومی مثل ادبیات عرب و زبان انگلیسی، برای کسب بالاترین رتبه‌ها کاملاً کافی و وافی نیز می‌باشد. به روز رسانی سالانه و انطباق بر کنکور هر سال، اشتمال بر همه سؤالات کنکورها، طبقه‌بندی موضوعی و پاسخنامه کاملاً تشریحیِ تست‌نامه‌ها، تلخیص‌های حساب‌شده در حدود یک پنجم منابع اصلی، مطالب توضیحی بیشتر جهت تفهیم بهتر، محتوای طبقه‌بندی شده‌ی منسجم، حذف زوائد غیرکاربردی و... تنها بخشی از دلایلی است که موجب گردیده است حافظون تنها گزینه داوطلبان در کنکور باشد.

۳. آموزش مجازی

در طول این سالها که کلاس‌های حافظون دایر بوده است، مطالبه‌ی مکرر داوطلبان شهرستانی موجب می‌شد که از بخشی از کلاسها صوت یا فیلم تهیه شده و برایشان ارسال گردد. این مطالبه به مرور ما را بر آن داشت که به سمت تولید محتوای دیجیتال رفته و نرم افزارهایی بسیار با کیفیت از برجسته‌ترین اساتید رشته الهیات تهیه شده و جهت نشر در سرتاسر کشور آماده ارائه به مشتاقان این رشته‌ها می‌باشد. دو ویژگی مهم نرم افزارهای حافظون عبارت است از: امکان شنیدن و دیدن درس استاد به‌دفعات مکرر، بهره‌گیری از بهترین اساتید کشور.

٤. آزمون‌های هفتگی، ماهانه و جامع

برای داوطلبی که در حال آماده شدن برای کنکور می‌باشد، برنامه‌ریزی و آزمون‌های دائمی که مدام او را رصد کند، مطالعاتش را جهت دهد، اشکالاتش را به او گوشزد نماید، بسیار ضروری و حیاتی به نظر می‌رسد. آزمون‌های هفتگی و دوره‌ای حافظون، به داوطلبان کمک می‌کند که هم به یک برنامه‌ریزی درست‌تری دست پیدا کنند و بتوانند به‌اندازه کافی درس‌ها را مرور نمایند و هم مدام در شرایط آزمون قرار گرفته و با تست‌زنی و تنظیم وقت و دیگر شرایط خو بگیرند.

٥. دوره‌های آزاد

حافظون علاوه بر دوره‌های آمادگی کنکور، کلاس‌های آزاد و کارگاه‌هایی با عناوینی مانند روش تحقیق، مقاله‌نویسی، آمادگی مصاحبه، متن‌خوانی عربی، تجزیه و ترکیب قرآن، تفسیر و... نیز برگزار می‌نماید.

٦. دوره‌های زبان

- **عربی**

  کامل‌ترین دوره آموزش زبان عربی از مقدماتی تا آمادگی کنکور دکتری؛ شامل صرف و نحو، مکالمه، بلاغت، لغت، اعراب القرآن و...

- **انگلیسی**

  دوره‌ها و بسته‌های ویژه کنکور ارشد و دکتری کلیه رشته‌های دانشگاهی، از مقدماتی تا پیشرفته.

  و همچنین زبان تخصصی الهیات

- **زبان کودک**

  آموزش نظام‌مند زبان‌های انگلیسی و عربی (زبان قرآن) از مهد تا دوره راهنمایی

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

٤- پژوهشکده قرآن و حدیث

در این مرکز طرح پژوهشی متنوعی که مستقیماً با امر آموزش و پرورش ارتباط دارد ارائه شده است که برخی از آن‌ها تکمیل شده و به‌عنوان کتاب یا بسته‌های آموزشی منتشر یافته است (مانند حاشیه قرآن کریم تحت عنوان فرهنگ اهل‌بیت علیهم‌السلام) و برخی دیگر در حال انجام است (مانند طرح «صراط مستقیم در فهم قرآن» که رویکردی کاملاً جدید در آموزش قرآن و زبان عربی است. یا «سبک زندگی قرآنی» و دیگر طرح‌های آموزشی)

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

مقدمه دوم:
تست صرف و نحو

در آزمون کارشناسی ارشد و دکتری بسیاری از رشته‌ها من‌جمله الهیات، ادبیات عرب، ادبیات فارسی و... درس «عربی» مهم‌ترین و اساسی‌ترین درس می‌باشد. به‌طوری‌که موفقیت در این درس مساوی است با موفقیت در کل کنکور. به همین دلیل است که داوطلبان حساب ویژه‌ای روی این آزمون باز می‌کنند.

سه مشکل در این مسیر وجود دارد:

- اول: نبود تعداد کافی تست استاندارد مطابق با کنکورهای ارشد و دکتری
- دوم: عدم طبقه‌بندی موضوعی تست‌های موجود
- سوم: پاسخنامه‌های ناقص، غیر تشریحی و بعضاً نادرست

اولاً: این کتاب شامل تعداد بی‌شمار **تست استاندارد** کنکورهای سراسری و آزاد در مقاطع ارشد و دکتری و در کلیه گرایش‌های رشته الهیات تا سال ۱۴۰۰ می‌باشد که به جرأت می‌توان گفت کامل‌ترین مجموعه تا به این لحظه است.

ثانیاً: **طبقه‌بندی موضوعی** این کتاب، در نوع خود بی‌نظیر است. چنانکه هر داوطلب می‌تواند پس از مطالعه کتاب مبادی العربیه یا درس‌نامه صرف و نحو همین مجموعه، بلافاصله تست‌های مرتبط با همان موضوع را بزند. طبعاً این شیوه بهترین روش مطالعه صرف و نحو برای کنکور و غیر آن می‌باشد.

ثالثاً: پاسخنامه‌های این درس‌نامه کاملاً تشریحی و بسیار دقیق طراحی شده است.

فهرست مطالب

بخش۱. سوال‌های صرف ۱۳
درس۱. همزه قطع و وصل ۱٤
درس۲. فعل مجهول و نائب فاعل ۱۵
درس۳. ابواب مزید و رباعی - ابدال ۱۸
درس٤. مهموز - تخفیف همزه ۱۹
درس۵. مضاعف - ادغام ۲۰
درس٦. معتل - اعلال ۲۱
درس۷. جمع و مثنی ۲۳
درس۸. مذکر و مؤنث ۲۵
درس۹. جامد و مشتق ۲٦
درس۱۰. منصرف وغیر منصرف ۲۸
درس۱۱. جمع و مثنی بستن اسامی منقوص، مقصور، ممدود ۲۹
درس۱۲. تصریف فعل با نون تأکید ۳۰
درس۱۳. اسم فعل ۳۱
درس۱٤. تصغیر ۳۲
درس۱۵. اسم منسوب ۳٤
درس۱٦. اعداد ۳۵
التدریب العام ۳۹

بخش۲. سوال‌های نحو ٤۱
درس۱. نصب فعل مضارع ٤۲
درس۲. جزم فعل مضارع ٤٤
درس۳. مبتدا و خبر ٤۷
درس٤. ضمیر شأن و ضمیر فصل ۵۰
درس۵. حروف مشبهة بالفعل ۵۱
درس٦. افعال ناقصه ۵٤
درس۷. لای نفی جنس ۵٦
درس۸. افعال مقاربه ۵۷
درس۹. فاعل ۵۹
درس۱۰. مفعول به ٦۱

درس۱۱. مفعول مطلق ٦٤
درس۱۲. مفعول له ٦٧
درس۱۳. مفعول فیه ٦٨
درس۱٤. مفعول معه ٦٩
درس۱٥. اسلوب تعجب ٧٠
درس۱٦. اغراء و تحذیر، اختصاص ٧٢
درس۱۷. اشتغال ٧٤
درس۱۸. تنازع ٧٦
درس۱۹. منادی ٧٧
درس۲۰. حال ٨١
درس۲۱. تمییز .... Error! Bookmark not defined.
درس۲۲. مستثنی ٨٧
درس۲۳. افعال مدح وذم ٩٠
درس۲٤. مجرور (به حرف و اضافه) ٩٢
درس۲٥. نعت ٩٤
درس۲٦. بدل، عطف بیان و عطف نسق ٩٧
درس۲۷. تأکید ١٠٠
درس۲۸. عمل شبه فعل ١٠١
درس۲۹. حروف ١٠٢
درس۳۰. «ما» ١٠٦
التدریب العام ١٠٨

بخش۳. سوال‌های تحلیل صرفی ١١١

بخش٤. سوال‌های اعراب گذاری ١٤٣

بخش٥. پاسخنامۀ صـــرف ١٦٣

درس۱. همزه قطع و وصل ١٦٤
درس۲. فعل مجهول و نائب فاعل ١٦٦
درس۳. ابواب مزید و رباعی - اِبدال ١٦٩
درس٤. مهموز - تخفیف همزه ١٧١
درس٥. مضاعف - ادغام ١٧٢
درس٦. معتل - اِعلال ١٧٣
درس۷. جمع و مثنی ١٧٦
درس۸. مذکر و مؤنث ١٨١
درس۹. جامد و مشتق ١٨٢
درس۱۰. منصرف و غیر منصرف ١٨٥
درس۱۱. جمع و مثنی بستن اسامی منقوص، مقصور، ممدود ١٨٨
درس۱۲. تصریف فعل با نون تأکید ١٨٩
درس۱۳. اسم فعل ١٩٠
درس۱٤. تصغیر ١٩١

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

درس۱۵. اسم منسوب ۱۹۴
درس۱٦. اعداد ۱۹٦
التدریب العام ۲۰۰

بخش٦. پاسخنامهٔ نحـو ۲۰۳

درس۱. نصب فعل مضارع ۲۰٤
درس۲. جزم فعل مضارع ۲۰٦
درس۳. مبتدا و خبر ۲۱۱
درس٤. ضمیر شأن و ضمیر فصل ۲۱۵
درس۵. حروف مشبهة بالفعل ۲۱٦
درس٦. افعال ناقصه ۲۲۰
درس۷. لای نفی جنس ۲۲۲
درس۸. افعال مقاربه ۲۲۳
درس۹. فاعل ۲۲۵
درس۱۰. مفعول به ۲۲۸
درس۱۱. مفعول مطلق ۲۳۲
درس۱۲. مفعول له ۲۳٦
درس۱۳. مفعول فیه ۲۳۸
درس۱٤. مفعول معه ۲٤۰
درس۱۵. اسلوب تعجب ۲٤۱
درس۱٦. اغراء و تحذیر ، اختصاص ۲٤۳
درس۱۷. اشتغال ۲٤۵
درس۱۸. تنازع ۲٤۷
درس۱۹. منادی ۲٤۹
درس۲۰. حال ۲۵۵
درس۲۱. تمییز ۲۵۸
درس۲۲. مستثنی ۲٦۱
درس۲۳. افعال مدح و ذم ۲٦۵
درس۲٤. مجرور (به حرف و اضافه) ۲٦۷
درس۲۵. نعت ۲۷۰
درس۲٦. بدل، عطف بیان و عطف نسق ۲۷۵
درس۲۷. تأکید ۲۷۹
درس۲۸. عمل شبه فعل ۲۸۱
درس۲۹. حروف ۲۸۲
درس۳۰. «ما» ۲۸۷
التدریب العام ۲۸۹

بخش۷. پاسخنامهٔ تحلیل صرفی ۲۹۳

بخش۸. پاسخ نامه علامت گذاری ۳۱۳

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

درس ۱۴. تصغیر

سؤال۱. تصغیر کدام گزینه نادرست است؟ (تاریخ و تمدن ملل اسلامی؛ آزاد - ۸۹)

۱) عصفور عصیفیر ۲) کاتب کُتَیِّب ۳) مفتاح مُفیتیح ۴) جمیل جُمیل

سؤال۲. ما هوالخطأ فی التصغیر؟ (سراسری ۷۶)

۱) جَوعان: جُوَعین ۲) حَمراء: حمیراء ۳) کتاب: کُتیِّب ۴) میزان: مُوَیزِین

سؤال۳. عیّن الصّحیح عن تصغیر «آدَم - شاعِر»: (سراسری ۸۰)

۱) أُوَیدم - شُوَیعیر ۲) أُبیدم - شُوَیعر ۳) أُوَیدم - شُوَیعر ۴) أُویدیم - شُوَیعیر

سؤال۴. عیّن الخطأ فی التّصغیر: (سراسری ۸۲)

۱) میثاق ← مویثیق ۲) فِنجان ← فُنیجین ۳) جَوعان ← جُویعین ۴) اوقات ← أُویقات

سؤال۵. عیّن الصحیح فی مصغّر «نار - تَمرة»: (سراسری ۸۳)

۱) نُیِیر - تُمَیر ۲) نُیَیرة - تُمَیرة ۳) نُوَیرة - تُمَیرة ۴) نُوَیر - تُمَیر

سؤال۶. عیّن الصحیح فی التصغیر: (سراسری ۸۹)

۱) أطراف: طُریفات ۲) غضنفر: غُضیفر ۳) عُلماء: عُویلِم ۴) عِدة: عُدیة

سؤال۷. عیّن الخطأ فی التصغیر: (کلیه گرایش‌ها؛ سراسری -۹۰)

۱) میزان: مویزان ۲) قلیل: قلیِّل ۳) عجوز: عجیِّز ۴) عدة: وعیدة

سؤال۸. عین الصحیح في التصغیر: (ارشد ۱۴۰۰)

۱) زنة: وزینة ۲) أکلب: کلیبات ۳) مصباح: مصباح ۴) مدحرج: دحیریج

سؤال۹. عیّن الصحیح فی تصغیر « عصا، صِفة، جوعان، عنکبوت»: (ارشد ۱۴۰۱)

۱) عُصَیّ، وُصَیف، جُویعان، عُنَیکَبِیت ۲) عُصیّ، وُصیفة، جُوَیعین، عُنَیکَبِیت
۳) عُصَیّة، وُصَیفة، جُوَیعان، عُنَیکِبیت ۴) عُصیّة، وُصَیف، جُوَیعان، عُنَیکِبُوت

سؤال۱۰. عیّن الخطأ في النسبة: (ارشد ۱۴۰۲)

۱) ذکری ← ذکراويّ ۲) زرقاء← زرقاويّ ۳) سلیقة ← سلیقيّ ۴) عویصة ← عوصيّ

سؤال۱۱. عیّن الخطأ فی التصغیر: (دکتری ۹۱)

۱) رسول ← رسیِّل ۲) صلة ← وصیلة ۳) میعاد ← مویعاد ۴) کثیر ← کثیِّر

سؤال۱۲. عیّن الصحیح عن المصغر للأسماء التالیة: بنت، اسم، کتاب، سوداء: (دکتری ۹۷)

۱) بنیّت، اسَیّم، کتَیْب، سوَیّدا ۲) بنیَّت، اسَیْم، کتَّیب، سویدا
۳) بنیّة، سمَيّ، کَتیْب، سوَیّداء ۴) بنیَّة، سمَيّ، کتیّب، سوَیداء

سؤال۱۳. عین الصحیح في التصغیر: (دکتری ۹۹)

۱) میعاد ← مُیَیعید / شاعر ← شُویعر ۲) مُوقِظ ← مُویقیظ / مَوعِد ← مُوَعید

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

۳) أرض ← أُریضة / أحلَی ← أُحیلي ۴) شَمس ← شُمیسة / مَریم ← مُریِّم

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

درس ۱۵. اسم منسوب

سؤال۱. اسم منسوب در کدام گزینه نادرست است؟ (تاریخ و تمدن ملل اسلامی؛ آزاد - ۸۷)

۱) قاضی← قاضَیّ ۲) قرّاء← قرائیّ ۳) رَحَی ← رَحَویّ ۴) بَزّاز ← بَزّاز

سؤال۲. اسم منسوب کدام یک از گزینه‌های زیر نادرست است؟ (تاریخ و تمدن ملل اسلامی؛ آزاد - ۸۸)

۱) ناصرة ← ناصِریّ ۲) اثنان ← اثنانیّ ۳) قُرّاء ← قرآئی ۴) حَیّ ← حَیَویّ

سؤال۳. کدام گزینه درباره اسم منسوب «معدی کرب» نادرست است؟ (تاریخ و تمدن ملل اسلامی؛ آزاد- ۸۹)

۱) مُعَدّی کربوی ۲) مَعَدوی کربیّ ۳) مَعدی کربّی ۴) مَعدَویّ کرب

سؤال٤. عیّن الخطأ فی النسبة: (سراسری ۸٦)

۱) صحیفة: صحیفی / صُحُف: صحفی ۲) ضیاء: ضیائی/ إجراء: إجرائی

۳) طالب: طالبی/ طالبة: طالبی ٤) غَضِب: غَضَبی/ غَضَب: غَضَبی

سؤال۵. عیّن الخطأ (في النسبة): (ارشد ۹۹)

۱) إنها تسکن مدینة «جلیلة» فهي جلیلیة! ۲) الإنسان یسکن المدن و هو مدنيّ الطّبع!

۳) تغلّبت السّوداء علیه فهو سوداويّ المزاج! ٤) بعض الناس یقطنون الصّحراء فهم صحرائیون!

سؤال٦. عیّن الخطأ فی النسبة: (دکتری ۹۱)

۱) عقیدة ← عقدیّ ۲) ذکری ← ذکراویّ ۳) بیداء ← بیداویّ ٤) حقیقة ← حققیّ

سؤال۷. عیّن الخطأ في النسبة: (دکتری ۹۸)

۱) ید - یديّ ۲) ابن - إبني ۳) مکاتب - مکاتبيّ ٤) أخت - أخويّ

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

درس ۱۶. اعداد

سؤال۱. متی حدثت شهادت أبی عبدالله عليه‌السلام ؟ (آزاد ۸۱)

۱) حَدَثَتْ فی سنة أحدٍ و ستّون هجريةً
۲) حَدَثَتْ فی سنة أحدٍ و ستّين هجريةً
۳) حَدَثَتْ فی سنة أحدی و ستّون هجريةً
۴) حَدَثَتْ فی سنة أحدی و ستّين هجريةً

سؤال۲. قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله : «صلوة الجماعة أفضل من صلوة الفرد ....». (آزاد ۸۱؛ آزاد ۸۵)

۱) بخمس و عشرين درجة
۲) بخمسة و عشرين درجة
۳) بخمس و عشرين درجات
۴) بخمسة و عشرين درجات

سؤال۳. عيّن الصّحيح؟ (آزاد ۸۲)

۱) ثلاثةٌ و أربعينَ يوماً
۲) ثلاثةٌ و أربعونَ يوماً
۳) ثلاثٌ و أربعينَ أياماً
۴) ثلاثٌ و أربعونَ يوماً

سؤال۴. عيّن الصّحيح فی العدد و المعدود: (آزاد ۸۳)

۱) بَدأ كثيرٌ من الأنبياء رسالتَهم فی السنّ الأربعين من عمرهم.
۲) مضی علی ظهور الإسلام ألفٌ و أربَعُمائةٌ سَنةً.
۳) ظهر موسی النبیّ عليه‌السلام ثلاث عشرة قرن قبل الميلاد.
۴) مضی علی ظهور عيسی المسيح عليه‌السلام أكثر من ألفين عاماً.

سؤال۵. عيّن الصّحيح؟ (آزاد ۸۴)

۱) فی مكتبة كلّيتنا أكثر من خمسين كتبٍ حول تاريخ الأديان.
۲) ليس هناک أكثر من سَبع فِرقٍ فی هذا المذهب.
۳) كتبتُ أربعة مقالةً عن بعض النّحل فی العالم.
۴) طالعتُ خمسةً و خمسين صفحات عن البوذيّة.

سؤال۶. کدام گزینه در زمینه آیه شریفه «قال إنّی أُريد أن انكحک ... هاتين علی أن تأجرنی ...» صحیح می‌باشد؟ (آزاد ۸۵)

۱) أحد بناتی - ثمانية حجج
۲) إحدی بناتی - ثمانی حجّة
۳) أحد بنتی - ثمانية حجج
۴) إحدی ابنتی - ثمانی حجج

سؤال۷. کدام عبارت در زمینه عدد و معدود صحیح می‌باشد؟ (فقه و مبانی حقوق اسلامی؛ آزاد - ۸۷)

۱) صلوة الجماعة اَفضَلُ من صلوةِ الفردِ بِخَمسةٍ و عشرينَ درجةً
۲) صلوة الجماعة اَفضَلُ من صلوةِ الفردِ بِخَمسٍ و عشرينَ درجةً
۳) صلوة الجماعة اَفضَلُ من صلوةِ الفردِ بِخَمسٍ و عشرينَ درجاتٍ
۴) صلوة الجماعة اَفضَلُ من صلوةِ الفردِ بِخَمسةٍ و عشرينَ درجاتٍ.

سؤال۸. عيّن الخطأ للفراغ: (علوم قرآن و حدیث؛ آزاد - ۸۸)

«شاهدت فی الكلّية............... طالبة و .... طلبة.»

۱) خمسين / اثنين و عشرين
۲) اربعا و تسعين / مائة و خمسة
۳) عشرين / مائتين و ثمانية
۴) مائة و خمس عشرة / عشرة

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

سؤال۹. کدام مورد در زمینه احکام اعداد صحیح است؟ (فقه و مبانی حقوق اسلامی؛ آزاد ـ ۸۸)

۱) صلّ لیلة احد و عشرین و لیلة ثلاث و عشرین مائةِ رکعَةٍ
۲) حریم المسجد اربعون ذراعاً و الجوار اربعون داراً من اربعةِ جوانبِها
۳) صلوة الجماعة افضل من صلوة الفرد بخمسة و عشرین درجةٍ
۴) یکون بعدی اثنتا عشرة امیراً

سؤال۱۰. تکمیل عبارت زیر را براساس ممیز اسماء عدد کدام است؟ (فقه و مبانی حقوق اسلامی؛ آزاد- ۸۹)

حریم المسجد......... و الجوارُ............ من................

۱) اربعین ذرع- اربعین دارٍ، اربع جانب
۲) اربعون ذراعاً- اربعون داراً، اربع جوانبها
۳) اربعین ذراعا- اربعین دارا- اربعة جانبها
۴) اربعون ذراعاً- اربعون داراً- اربعة جوانبها

سؤال۱۱. کدام گزینه نادرست است؟ (تاریخ و تمدن ملل اسلامی؛ آزاد- ۸۹)

۱) اثنا عشر الفَ طالبٍ
۲) ثلاثَ عشَرَ الفَ طالبةٍ
۳) اثنتا عشر الف طالبةٍ
۴) ثلاثةَ عشَر الفَ طالبٍ

سؤال۱۲. کدام جمله درست است؟ (تاریخ و تمدن ملل اسلامی؛ آزاد-۹۰)

۱) فقد تجاوزت عمر لغتها المروی منذ الأیّام الجاهلیة الخمسة العشرة قرنٍ
۲) فقد یجاوز عمر لغتها المرویة منذ ألایّام الجاهلی الخمس عشر قرناً
۳) فقد تجاوز عمر لغتها المروی منذ أیّام الجاهلی الخمس عشر قرنٍ
۴) فقد تجاوز عمر لغتنا المرویة منذ أیّام الجاهلیة الخمسة عشر قرناً

سؤال۱۳. عیّن الصحیح للفراغ: «فی قریتنا أربعة........... و .... معلّمات» (فلسفه و کلام اسلامی؛ آزاد- ۹۰)

۱) معلّمون / ثلاث
۲) مدرّساتٍ/ أربعة
۳) معلّمینَ/ أربع
۴) مدرّسین / ثلاثة

سؤال۱۴. دربارهٔ این جمله کدام یک از اعرابهای زیر درست است؟ «فی مکتبنا ألف و تسعمائة و أربع و ثمانون کتاباً» (سراسری ۷۱)

۱) الفٌ و تسعُمائة و أربعُ و ثمانونَ
۲) الفٍ و تسعَمائةِ و اربعِ و ثمانونَ
۳) الفٌ و تسعُمائةٍ و اربعٌ و ثمانونَ
۴) الفُ و تسعمائةً و اربعَ و ثمانونَ

سؤال۱۵. ماهو الخطأ؟ (سراسری ۷۶)

۱) طالعنا مائتی صفحة من الکتاب
۲) طالعنا مائتی صفحة و صفحتین
۳) قرأنا مائتین صفحة من الکتاب
۴) قرأنا اثنتین و مائتی صفحة

سؤال۱۶. ما هو الصّحیح للفراغ: «زرت......». (سراسری ۷۸)

۱) إحدی عشرة جامعة و أربعه مکتبات.
۲) إحدی عشرة جامعة و ثلاث مکتبات.
۳) إحدی عشرة جامعات و أربع مکتبة.
۴) أحد عشر جامعة و أربع مکتبات.

سؤال۱۷. عیّن الصّحیح عن العدد و المعدود: (سراسری ۸۰)

۱) رأیت ألفین طالبةٍ فی الجامعة.
۲) طالعت الصفحة الثّالثة و الأربعین بعد المائة.
۳) هناک أربعة عشر ألفاً و خمسمائة و أربعاً و ستّین طالباً.
۴) قرأت الصّفحة المائة و الثّالث و أربعون.

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

سؤال۱۸. عیّن الخطأ للفراغ: «تدرّس فی مدارسنا .... آلاف مدرّسة و .... ألف مدرّس». (سراسری ۸۲)

۱) إحدی عشرة / عشرون ۲) ثمانیة / خمسة عشر ۳) خمسة / اثنا عشر ۴) عشرة / أحد عشر

سؤال۱۹. «شاهدت فی الکلّیة....... طالبة و .... طلبة»؛ عیّن الخطأ للفراغ: (سراسری ۸۵)

۱) أربعاً و ثمانین - مائة و ستّة
۲) سبعین - اثنین و ثلاثین
۳) مائة و تسع عشرة - عشرة
۴) خمسین - مائتین و ثمانیة

سؤال۲۰. «فی مکتبة کلّیتنا ۹۰۲ کتاب»؛ عیّن الخطأ فی تکمیل العبارة بالعربیّة: (سراسری ۸۷)

۱) إثنان و تسعُمائة کتابٍ
۲) إثنان و تسعُمائةٍ من الکتب
۳) تسعُمائةِ کتابٍ و کتابان
۴) تسعُمائةٍ و إثنان کتابٍ

سؤال۲۱. عیّن الخطأ: (سراسری ۸۸)

۱) جاء بمائة دلیل و نیّف لیثبت ما ادّعاه!
۲) دفعت له ثمانین و نیّفاً من الدرهم!
۳) طالعت حتّی الآن سبعة و نیّفاً من الکتب!
۴) فی جامعتنا ألف و نیّف من الطالبات!

سؤال۲۲. عَیّن الخطأ: (همه گرایش‌ها؛ سراسری- ۹۱)

۱) أتظنّ أنّک تستطیع أن تطالع المقالات الأربع هذه فی لیلة واحدة
۲) هناک زمیلان اثنان من بین ثمانی زمیلاتی لم یطالعا الدرس أبداً
۳) ترید أختی أن تجمع فی کرّاستها مائة مسألة و مسألتین مع أجوبتها
۴) شاهدت الاثنین و ثلاثین طالباً و طالبة فی الساحتین الاثنتین یوم أمس

سؤال۲۳. «تا کنون ۱۸ مقاله مطالعه کرده‌ام و از بین آنها فقط مقاله هجدهم را پسندیده‌ام!»:
قد طالعت حتّی الآن .... (ارشد ۹۹)

۱) ثمانیة عشر مقالة و أعجبتني منها المقالة الثامن عشرة فقط!
۲) ثماني عشرة مقالة و لم یعجبني منها إلا المقالة الثامن عشرة!
۳) ثمانیة عشر مقالة و أعجبت من بینها بالمقالة الثامنة عشرة فقط!
۴) ثماني عشرة مقالة و لم تعجبني من بینها إلا المقالة الثامنة عشرة!

سؤال۲۴. عین الخطأ: (ارشد ۱۴۰۰)

۱) بحثت عن مطلوبي بضعة أعوام
۲) طالعت هذا الکتاب بضعة عشر یوما!
۳) إنه قضی في تلك المدینة بضع سنین؟
۴) مکثت في هذه المدینة نیفا و عشرین یوما!

سؤال۲۵. عیّن الخطأ للفراغ: اشترك في التصویت ..... (ارشد ۱۴۰۲)

۱) أحد عشر ألف ناخب و مائة ناخبة!
۲) إثنا عشر ألفًا من الناخبات و مائة ناخب!
۳) إثنتا عشرة ألف ناخبة و مائة ناخب!
۴) أحد عشر ألفًا من الناخبین و مائة ناخبة!

سؤال۲۶. عیّن الصّحیح عن العدد و معدوده:

۱) رأیت ألفین معلمة فی هذه المدینة
۲) طالعت الصّفحة الرّابعة و الخمسین بعد المائة
۳) هناک ثلاثة عشر ألفاً و ستّمائة و أربعاً و سبعین طالباً
۴) قرأت الصّفحة المائة و الثّامن و التّسعون.

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

سؤال۲۷. عیّن الخطأ: (دکتری ۹۳)

۱) المقال المائة و الثانی عشر!
۲) المقالة المائة و الخامسة عشرة!
۳) ألفان و خمس‌مائة و أربعةعشر و نیّف من الطّلبة!
٤) ثلاثة آلاف و تسعمائة و ثمانون و نیّف من الطّالبات!

سؤال۲۸. عیّن الخطأ: (دکتری ٩٤)

۱) هناک ألف و نیّف من الطّلبة و الطّالبات فی جامعتنا!
۲) درّستِ الطّلبة حتّی الآن ستّة و نیّفاً من الدروس!
۳) قد تسلّمت منه خمسین و نیّفاً من الدّراهم!
٤) جاء بألف دلیل و نیّف لیثبت مدّعاه!

سؤال۲۹. «اِشترک فی التّصویت .....». عیّن الخطأ للفراغ: (دکتری ۹٦)

۱) إثنتا عشرة ألف ناخبة!
۲) أحد عشر ألفًا من الناخبین!
۳) اِثنا عشر ألفًا من الناخبات!
٤) إحدی عشرة ناخبة و ألف ناخب!

سؤال۳۰. عیّن الخطأ (في العدد): (دکتری ۹۷)

۱) إنّه أتي لنا بمائة دليل و نيّف ليثبت مدّعاه!
۲) له ستٌّ و نيّف من المقالات البارعة!
۳) يدرس في كليّتنا ألف و نيّف من الطلبة و الطالبات!
٤)كان يطالبنا من الأُجرة تسعين و نيّفا من التومانات!

سؤال۳۱. عیِّن الخطا (في باب العدد): (دکتری ۹۹)

۱) متى تُعيد لي ألف التومان الّذي أسلفته إيّاك من قبل؟
۲) متى تُعيدين لي الاثني عشر كتاباً الّذي أعرتها إيّاك؟
۳) إني لم أطالع حتّى الأن الإحدي و العشرين مقالة الّتي استعرتها من المكتبة!
٤) إني لم أطالع الكتب الثلاثة و الخمس مقالات التي استعرتها من المكتبة حتى الآن!

سؤال۳۲. عیّن الخطأ للفراغات: (دکتری ۱۴۰۱)

(طالعت حتی الان ..... مقاله ، و لم یعجبنی منها الا ..... مقالات ، و غیر انّ المقاله ..... کانت افضلها!):

۱)مائتی،عشر،المائه
۲)احدی عشره،خمس،العاشره
۳)ثلاثاً و عشرین،ثمانی،العشرین
۴)تسعین،ثمان،الحادیه عشره

سؤال۳۳. عیّن الخطأ في الكنايات: (دکتری ۱۴۰۲)

۱) كأيّن من مشاكل عويصة تحلّها الهممُ العالية!
۲) كانت لي بضعة دنانير فأعطيت زميلي عشرة منها!
۳)أخذت تتباهى و تقول إنّي طالعت حتّى الآن كذا و كذا مقالةً!
٤) لمّا دخلت الصفّ وجدت فلانة و فلانًا قد سبقاني في الحضور!

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

التدریب العام

سؤال۱. عیّن الخطأ: (آزاد ۸۳)

۱) إسمَعوا مخاطبةَ الجلیس و لاتکونوا عجلین!
۲) إسمَع مخاطبةَ الجلیس و لاتکُن عجلاً!
۳) إسمعَی مخاطبة الجلیس و لاتکونی عجلة!
۴) إسمَعن مخاطبةَ الجلیس و لاتکونون عجلة!

سؤال۲. در آیه شریفه «وَ غَلَّقَتِ الْأَبْوابَ وَ قالَتْ هَیْتَ لَكَ» کلمه هیت کدام است؟ (آزاد ۸۶)

۱) فعل امر
۲) اسم فعل امر
۳) فعل ماضی
۴) اسم مصدر

سؤال۳. کلمه «تَوَفَّ» چیست؟ (فلسفه و کلام اسلامی؛ آزاد - ۸۷)

۱) ماضی
۲) مضارع
۳) مصدر
۴) امر

سؤال۴. در کدام گزینه «فعل مضاعف» به کار رفته است؟ (فلسفه و کلام اسلامی؛ آزاد - ۸۷)

۱) و لا تبرجن تبرّج الجاهلیّة الاولی
۲) إنّه لایحبّ المسرفین
۳) إتّق الله بطاعته
۴) لاتثقنّ بعهد من لا دین له

سؤال۵. در آیه شریفه «وغَلَّقَتِ الاَبواب وقالَت هَیتَ لَک» کلمه «هَیتَ» کدام است؟ (فقه ومبانی حقوق اسلامی؛ آزاد -۸۷)

۱) ماضی، صیغه مفرد مذکر مخاطب
۲) اسم فعل به معنای ماضی
۳) اسم فعل به معنای امر
۴) اسم فاقد معنای فعلی و مبنی بر فتح

سؤال۶. در آیه شریفه «هَلُمَّ شُهَداءکُم» کلمه «هَلُمَّ» کدام است؟ (فقه و مبانی حقوق اسلامی؛ آزاد- ۸۸)

۱) فعل ماضی غیرمتصرف
۲) اسم رباعی
۳) اسم فعل
۴) فعل ماضی متصرف

سؤال۷. «قُلْ لمَن یبکی علی رسم دَرَس واقفاً، ما ضرَّ لو کان جَلس!»؛ عیّن الخطأ فی الصّیغ المختلفة: (سراسری ۸۴)

۱) قل لمن تبکین علی رسم درس - واقفون، ما ضرَّ لو کانوا جلسن!
۲) قل لمن تبکی علی رسم درس - واقفةً، ما ضرَّ لو کانت جلست!
۳) قولی لمن یبکون علی رسم درس - واقفین، ما ضرَّ لو کانوا جلسوا!
۴) قولوا لمن یبکین علی رسم درس - واقفات، ما ضرَّ لو کنّ جلسن!

سؤال۸. عیّن الخطأ (فی المبنی للمجهول): (سراسری ۹۴)

۱) ما أقبح بالمرء أن یُغار علیه و لا یُغیر!
۲) لا یدرک الحق إلّا بواسطة من یطلبه!
۳) الجهاد لو تُرک رغبة عنه، فلینتظر الذّل تارکُه!
۴) نعم المرء مَن یَتّعظ بمن سبقه قبل أن یُتّعظ به!

سؤال۹. عیّن الصحیح عن کلمتي «مُدَثّر، مُزَّمَل»: (ارشد ۹۷)

۱) اسم زمان من فعل «تدثّر» باب تفعّل/ اسم مکان من باب تفعیل
۲) اسم مفعول من فعل «دثّرَ» بعد الإبدال / اسم فاعل من باب تفعّل
۳) اسم مکان من فعل «تدثَّر» بعد الإبدال / اسم زمان من فعل «تزمّل» باب تفعّل
۴) اسم مفعول من فعل «دثَّر» با ب تفعیل/ اسم فاعل من فعل «تزمّل» بعد الإبدال

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

سؤال ۱۰. عين ما يجب إلحاق نون الوقاية في جميعها: (ارشد ۹۸)

۱) إنهما لم يزوراني / إنّكم لن تزوروني / إنهم ما زاروني!

۲) هما يُكاتبانني / هو كان يسأل عنّي / أنت تُكاتبينني!

۳) حضر الطلبة ما عداني / أُتركني و شأني / أ تُرافقونني أنتم!

٤) ما أحوجني إليك / إنني ناجح في حياتي / ليتني كنت معكم!

سؤال ۱۱. عيّن الخطأ (فی صيغة الفعل): (دکتری ۹٦)

۱) تِدی فی الأرض قدمک!
۲) ما بکِ؟! غُضّی بصرک!
۳) اِمضی فی الّذی نهجه لک!
٤) ما لکِ؟! يُغار عليکِ و لا تغير!

سؤال ۱۲. عيّن ما يختلف عن الباقي في نوع الإعلال: (دکتری ۹۸)

إيجاد
۲) اتّحاد
۳) اعتياد
٤) إيحاء

سؤال ۱۳. عيّن الصحيح للفراغ: إنّ المصدر «إتمار» مأخوذ من مادّة .... (دکتری ۹۹)

۱) «يمر» و لا غير
۲) «يمر» أو «متر»
۳) «أمر» و لا غير
٤) «أمر» أو «ومر»

سؤال ۱٤. «عُداة - أرزاء - عدّاء - مِبراة». عين الصحيح في الأوزان: (دکتری ۹۹)

۱) فُعَلة . فَعلاء. فَعلاء . مِفعلة
۲) فُعَلة . أفعال . فَعّال . مِفعلة
۳) فُعال . فَعلاء. فَعلاء. مِفعال
٤) فُعال . أفعال . فَعلاء. مِفعال

سؤال ۱۵. عيّن عائد الصّلة ضميرًا بارزًا: (دکتری۱٤۰۰)

۱) هی الدنيا، من رفعته اِرتفع!
۲) العاقل هو الذّی يتّعظ بأُمثولات الدّهر!
۳) أين جاری الّذی کان رفيق أيّامی!
٤) اِقرأ البيتين اللّذين قد جاءا فی هذه الصفحة!

سؤال ۱٦. عيّن ما يجوز فيه حذف العائد: (دکتری۱٤۰۱)

۱)اِعمل فی حياتک الدراسيّه ما انت عامل.

۲)جاء من الزملاء الذی اياه دعوت الی الورشه.

۳)رايت من هو يحترم الآخرين عندما يساعدهم.

۴)تکلّمت حول هذه العويصه مع من هو فی الندوه.

سؤال ۱۷. عيّن الالف و للام عهدا ذهنيّا : (دکتری۱٤۰۱)

۱)سوف يدرّسک الاستاذ المجرّب والباحث الحصيف من بين الاساتذه و بذالک تجهر معلومات قويمه و مفيده

۲)المديره بينما تلقی محاضره فی القاعه،قالت: اليوم نعرف الذين حصلوا علی درجه القبول

۳)اتّصلت زميلتی بابويها و بعد مکالماتها اياهما،سيلتقی بعضنا ببعض فی المراسيم

۴) فی عالمنا هذا بلاد کثيره قد توسّعت الان و هی تُصدّر انتاجاتها الی البلاد الأُخری

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

بخش ۲. سوال‌های نحو

درس۱. نصب فعل مضارع

سؤال۱. درباره آیه شریفه «یُحبّون أن یُحمَدوا بما لم یَفعلوا» کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح است؟
(علوم قرآن و حدیث؛ آزاد- ۹۰)

۱) یحبون مضارع مرفوع به ثبوت نون، یحمدوا مضارع منصوب به حذف نون
۲) یحمدوا مضارع منصوب به حذف نون، یفعلوا مضارع مرفوع به واو
۳) یحبون مضارع منصوب به فتحه ظاهر، یحمدوا مضارع مجزوم به حذف نون
۴) یفعلوا مضارع منصوب به حذف نون، یحبون مضارع مرفوع به ثبوت نون

سؤال۲. «إذَن» در کدام گزینه فعل را منصوب می‌کند؟ (علوم قرآن و حدیث؛ آزاد- ۹۰)

۱) احترم رئیسک انّه اِذَن یُکرمک
۲) احترمُ رئیسک اِذَن هو یُکرمک
۳) احترم رئیسک اِذَن یُکرمک
۴) احترم رئیسک اِذَن فهو یُکرمک

سؤال۳. در آیه شریفه «لا تّتبع الهَوی فَیضلّکَ عن سبیلِ الله»، «یضلّک» چیست؟ (علوم قرآن و حدیث؛ آزاد- ۹۰)

۱) مضارع مرفوع
۲) فعل امر
۳) مضارع منصوب
۴) مضارع مجزوم

سؤال۴. فعل مضارع در کدام گزینه منصوب نیست؟ (تاریخ و تمدن ملل اسلامی؛ آزاد-۹۰)

۱) کأنّکَ أمیرٌ علینا فَنُطیعکَ
۲) تَیَقَّنتُ أن لایرجع أخوکَ
۳) لیتَ لی مالاً فأجود به
۴) صُم حَتّی تَصِل اللهَ

سؤال۵. ما هو الصحیح عن العبارة التالیة؟ «علمنا أن لا یفلح الکاذب» (سراسری ۷۶)

۱) أن: من الحروف الناصبه و عاملة
۲) لا: حرف ناهیة جازمه للفعل المضارع.
۳) یفلح: فعل مضارع منصوب بأن و الجملة مصدر موؤل.
۴) یفعل: فعل مضارع مرفوع و الجمله خبر أن المحففة.

سؤال۶. ما هو الصّحیح عن «أن» فی الآیة الکریمة: «علم أن سیکون منکم مرضی». (سراسری ۷۹)

۱) حرف مصدری
۲) مخفّفه و اسمها ضمیر شأن محذوف
۳) مخفّفه و اسمها «مرضی» منصوب تقدیراً
۴) حرف ناصب

سؤال۷. عیّن إعراب فعل «أخشی»: «ما أنا ضعیفٌ فَأخشَی الشّدائد!» (سراسری ۸۰)

۱) منصوب بفتحة ظاهرة
۲) منصوب بفتحة مقدّرة
۳) مرفوع بضمّة مقدّرة
۴) مرفوع بثبوت حرف العلّة

سؤال۸. عیّن الخطأ في إعراب المضارع: (سراسری ۹۵)

۱) ألا ترافقُني نمش متکلّمین!
۲) هل تجالس الحکماء فتحسبَ منهم!
۳) لا تمرَّ في الشّارع المزدحم غافلاً تتعرّضُ للخطر!
۴) لیتني اِقتصدت في صبايَ فأکون مستغنیاً عندما شبت!

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

سؤال۹. عین ما فیه الطلب المحض: (ارشد ۹۸)

۱) نَزال فأُحسن إلیک! ۲) توبیخاً المسيء فیتأدّب!

۳) حسبك الحدیث فینام الناس! ۴) ألا تنزل عندنا فتُصیب خیرًا؟

سؤال۱۰. عیّن المضارع منصوباً: (دکتری ۹۲)

۱) أ ظننت أن لا أعود مرّة أُخری! ۲) حسبت أن أتخرَج بعد هذا الفصل!

۳) فهمت أن قد ینجح أخوک السّنة! ۴) علم الله أن سیکون الفوز حتماً!

سؤال۱۱. عیّن الخطأ فی إعراب الفعل: (دکتری ۹۳)

۱) صه فتسمعون کلام الخطیب! ۲) أُدرسوا فتنجحوا فی الدّنیا و الآخرة!

۳) ما اقترفوا ذنباً فیخافوا من العقاب فی الآخرة! ۴) بکِّروا فی الخروج فتتأخَّروا فی الوصول إلی عملکم!

سؤال۱۲. عیّن لام الجحود: (دکتری ۹۴)

۱) لما آمن الکفّار بربّهم! ۲) (إنّ الأبرار لفی نعیم)

۳) هذه الطّالبة لتدرس هنا! ۴) (لم یکن الله لیغفر لهم)

سؤال۱۳. عیّن ما فیه لام الجحود: (دکتری ۹۷)

۱) جُد في حیاتك لتسود الآخرین!

۲) و ما کان اللّه لیطلع عباده علي الغیب!

۳) و من یحتفر بئراً لیصرع واحداً سیُصره یوماً بالذّي هو حافر!

۴) نبيّ یري ما لا ترون و ذکره أغار لعمري في البلاد و أنجدا!

سؤال۱٤. «ما أطمع فیه أن أنجح في الامتحان، أفلا تری أن لا ینجح إلا المجد!». عیّن الصحیح عن الإعراب: (دکتری ۹۸)

۱) أنجحَ / ینجحُ ۲) أنجحَ / ینجحَ ۳) أنجحُ / ینجحُ ٤) أنجحُ / ینجحَ

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

درس ۲. جزم فعل مضارع

سؤال ۱. کدام جمله از لحاظ نحوی درست است؟ (علوم قرآن و حدیث؛ آزاد-۷۸)

۱) من حرص فلم یندم
۲) إن اساؤوا بئس ما فعلوا
۳) مهما أردت إنی مستعد لقضانه
۴) إن فعلت السوء فستلحقک الندامة

سؤال ۲. عیّن الخطأ: (علوم قرآن و حدیث؛ آزاد - ۸۸)

۱) الانسانُ اِن یحترمِ الآخَرینَ واللهَ یَحترموهُ
۲) إن یحترمِ الانسانُ الاخَرینَ فواللهِ یحترمونَه
۳) الانسانُ اِن یحترمِ الآخَرینَ واللهِ یَحترمونَهُ
۴) إن یحترمِ الانسانُ الاخرینَ وَاللهِ یحترموه

سؤال ۳. آوردن «فاء» بر سر جواب شرط در کدام گزینه وجوبی است؟ (تاریخ و تمدن ملل اسلامی؛ آزاد- ۸۹)

۱) زیدٌ والله إن یزرنی فاکرِمهُ
۲) إن سقطَ عدوّکَ فلا تَشمت بِه
۳) من یطلب فیجد
۴) ان تعدوا نعمة اللهِ فلاتحصوها

سؤال ٤. در عبارت زیر، غلطها را تصحیح کنید: (علوم قرآن و حدیث؛ آزاد- ۹۰)
ان یذهبوا- لن‌تجتهدین- یطوِ- لم‌یبقی- تعلّمان

۱) ان‌یذهبون- لن‌تجتهدی- یطوو- لم‌یبق- تعلّماً
۲) ان‌یذهبوا- لن‌تجتهدی- یطوی- لم‌یبق- تعلّمان
۳) ان‌یذهبون- لن‌تجتهدین- یطو- لم‌یبقی- تعلّما
۴) ان‌یذهبوا- لن‌تجتهدین- یطوی- لم‌یبقو- تعلّمان

سؤال ۵. در کدام یک از گزینه‌های زیر، ظهور حرف «فاء» جوازی است؟ (علوم قرآن و حدیث؛ آزاد- ۹۰)

۱) اِن تدرس فَلاتخسر
۲) اِن زرتنی فَسأزورک
۳) ان جاءنی ضیفٌ فَما أطرُدُه
٤) لا أعرف‌دارَ الصدیقِ فَأزوره

سؤال ٦. عیّن الصحیح: (فلسفه و کلام اسلامی؛ آزاد- ۹۰)

۱) إن أصررت علی الغوایة ستَندمی!
۲) کتابَ مَن تطالعی أطالع!
۳) لیس مایُبهِجْک یُبهِجْنی!
٤) إنّ مَن یَدرسْ ینجحْ!

سؤال ۷. «إن تظفروا فالغنیمة و الفتح و إن تغلبوا فالجنة....»، کدام اعراب درست است؟ (سراسری ۷۱)

۱) فالغنیمةُ - والفتحُ- تَغلِبوا
۲) فالغنیمةُ - والفتحُ- تُغلَبوا
۳) فالغنیمةُ - والفتحَ- تَغَلَّبوا
٤) فالغنیمةَ - والفتحَ- تَغلَبوا

سؤال ۸. ما هو الصّحیح: (سراسری ۷۱)

۱) أیُّ عملٌ تعملُ یعملْ أخوک.
۲) أیَّ عملَ تعملْ یعملُ أخوک.
۳) أیَّ عملٍ تعملْ یعملْ أخوک.
٤) أیُّ عملٌ تعملُ یعملَ أخوک.

سؤال ۹. «أینما تکونوا یدرککم الموت» ما هو اعراب «تکونوا»؟ (سراسری ۷۵)

۱) جواب شرط و مجزوم به حذف نون.
۲) فعل شرط و مجزوم محلاً.
۳) فعل شرط و مجزوم بحذف نون الاعراب.
٤) فعل مضارع و منصوب بحذف نون الاعراب.

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

سؤال۱۰. ما هو الخطأ؟ (سراسری ۷۶)

۱) إن درستما نجحتما. ۲) إن تدرسا تنجحان. ۳) إن درستما تنجحا. ۴) إن درستما تنجحان.

سؤال۱۱. ما هو الخطأ؟ (سراسری ۷۷)

۱) إن تجتهدی تنجحی فی الامتحان ۲) إن عصیت امری فلن تنال محبّتی

۳) من یَتعب فی صغیره فسیستریح فی کبره ۴) من سعی فی الخبر سعیُه مشکور

سؤال۱۲. ما هو الخطأ عن العبارة التالیة؟ «إنّ من یطلب یجد». (سراسری ۷۷)

۱) من: اسم «إنّ» و منصوب محلا ۲) یطلب: فعل شرط و مجزوم

۳) یجد: خبر «إنّ» و مرفوع محلا ۴) یطلب: فعل و فاعل

سؤال۱۳. ما هو الصّحیح؟ (سراسری ۷۸)

۱) لمّا تعود إلی البیت تَراه نظیفاً. ۲) لمّا تَعُد إلی البیت تَراها نظیفاً.

۳) لمّا تَعُد إلی البیت تَرَه نظیفاً. ۴) لمّا تعود إلی البیت تَراها نظیفةً.

سؤال۱۴. عیّن الخطأ عن کلمات العبارة التّالیة: «إذا أتاکم ضیف فأکرموه» (سراسری ۷۹)

۱) إذا: ظرف أو مفعولٌ فیه و مضاف ۲) أتی: فعل شرط و مجزوم محلاً

۳) أتی: فعل و مع فاعله مضافٌ إلیه و مجرور محلاً ۴) ضیف: فاعل و مرفوع بضمّه ظاهره

سؤال۱۵. عیّن العبارة الّتی لیس من الواجب اِقتران الفاء بها: (سراسری ۷۹)

۱) إن کذّبوا فبئس ما فعلوا! ۲) إن التجأ إلیَّ ضیف فما أطرده!

۳) إذا سقط شخص فلاتفرح بسقوطه! ۴) اجتهدوا فتنجحوا، یا طلبه!

سؤال۱۶. عیّن الصّحیح للفراغ: «من یتّبع هدی الله ....». (سراسری ۸۱)

۱) فالجنّه مأواه ۲) هو المهتدی ۳) فیهتدِ ۴) یحبُّه الله

سؤال۱۷. عیّن الصحیح؟ (سراسری ۸۲)

۱) إنّ مَن یَدرسْ ینجحْ ۲) إن أصررت علی الغوایة ستندمی!

۳) کتابَ من تطالعی أطالع ۴) لیس مایُبهجْک یُبهجْنی

سؤال۱۸. عیّن الصحیح فیما اُشیر إلیه بخطّ: «و أوفوا بعهدی <u>اوف</u> بعهدکم و إیّای <u>فارهبون</u>». (سراسری ۸۲)

۱) ماضٍ و مبنی / فاعله ضمیر الواو البارز. ۲) مجزوم بحذف حرف العلّه / الواو ضمیر و النّون للإعراب.

۳) مضارع و مجزوم / أمر و النّون وقایه. ۴) مبنی علی حذف حرف العلّه / النّون للوقایه و مکسور.

سؤال۱۹. «إعلم أنّ المتّقی إن ضحک لم یعلُ صوته!»؛ عیّن الصّحیح فی تبدیل الجملة إلی اُسلوب الشّرط: (سراسری ۸۷)

۱) .... إذا یضحک لم یعلو صوته! ۲) .... إن ضحک فلا یعلو صوته!

۳) .... إن یضحک لایعل صوته! ۴) .... إذا ضحک فلم یعل صوته!

سؤال۲۰. عَیِّن المضارع لیس مجزوماً: (همه گرایش‌ها؛ سراسری- ۹۱)

۱) لتتوکّلوا علی الله یجب علیکم أن تقوّوا إیمانکم

۲) لیقرؤوا ما تیسّر من الکتب القَیّمة الّتی ترتبط بعملهم

۳) لیخلص له تعبّدک و إلیه رغبتک و منه شفقتک

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

۴) لیذکر ربّه فی الأعمال الیومیّة حتّی ینفع نفسه والآخرین

سؤال۲۱. عیّن الخطأ (فی أحکام الشّرط): (سراسری ۹۴)

۱) إن جئتنی ببرهان مقنع أُذعنُ لک!
۲) إن رأیتک بین الفائزین، أفرحُ أنا و یفرحَ أبوک!
۳) إن عظّمت المسائل الصغیرة تعظمَ هی بنفسها!
۴) إن تقعْ فی السّوء لا تنجُ منه إلّا إذا أبعدت نفسک عنه!

سؤال۲۲. عیّن الخطأ: (ارشد ۹۹)

۱) إن تُسرعي قد تُدركي القطار!
۲) من یدعُ الله یستجب له!
۳) من یسعَ في حیاته فلن یفشل!
۴) إن تجدّي فتنجحین!

سؤال۲۳. عین الخطأ في دخول الفاء علی الخبر: (ارشد۱۴۰۰)

۱) ولکن ما یتمناه الصالحون فسوف یکون!
۲) لیت من یساعدك فله منك جائزة
۳) انّ الذي یساعدني فله جائزة مني!
۴) کل طالب یجتهد بجد فله درجة عالیة !

سؤال۲۴. عیّن المضارع المجزوم: (ارشد۱۴۰۲)

۱) تعالَوا نقرأ الآيَ الکریمة!
۲) عجِّل تغرب الشّمس!
۳) اِعمل الخیر تنظر إلی ثوابه!
۴) عاشر إنسانًا یُرشدك إلی الکمال!

سؤال۲۵. عیّن الصحیح: (دکتری ۹۱)

۱) لم یکُ زمیلی راسباً فی الامتحان و لم أکنه أنا!
۲) لن أکُ کاذباً فی أقوالی و لا فی أعمالی!
۳) لم یکُ المؤمنون قانطین من رحمة ربّ العالمین!
۴) لن أکن من الّذین یخالفون وعدهم بعد أن وعدوا!

سؤال۲۶. عیّن الخطأ: (دکتری ۹۲)

۱) أنتَ، إن تجتهد و تُحاولُ تنجح و تفوزَ!
۲) أنتِ، إن تجتهدی و تُحاولی تنجحی و تفوزی!
۳) أنتِ، إن تجتهدی و تُحاولی تنجحی و تفوزین!
۴) أنتَ، إن تجتهد و تُحاولَ تنجح و تفوزْ!

سؤال۲۷. در کدام عبارت، جمله ی جواب شرط، محلّی از اعراب ندارد؟ (دکتری ۹۵)

۱) «من یضلل الله فما له من هاد»
۲) «فأمّا من ثقلت موازینه فهو فی عیشة راضیة»
۳) «و ان تصبهم سیّئة بما قدّمت ایدیهم اذاهم یقنطون»
۴) «إذا جاء نصر الله و الفتح و رأیت الناس یدخلون فی دین الله افواجاً فسبّح بحمد ربّک و استغفره»

سؤال۲۸. کدام عبارت، صحیح نیست؟ (دکتری ۹۵)

۱) اِنَّ مَنْ یطْلُبُ یَجِدُ.
۲) إنْ سقط عدوّک لا تشمت به.
۳) لَیْسَ ما یُسِرُّک یُعْجِبُنی.
۴) من مدحک بما لَیْسَ فیک فقد ذمّک.

سؤال۲۹. عیّن الخطأ في جواب الشرط: (دکتری ۹۹)

۱) إن قُمت بهذا المسعی المحمود فواللّهِ تلهجِ الألسنةُ بذکرك!
۲) إن تُخلصْ للّه العمل واللهِ یُضاعفْ لك الأجر أضعافاً!
۳) الکتابُ واللّهِ إن تطالعْه فهو خیر جلیس!
۴) واللّهِ إن إتّقیتم لیجعلنّ اللّهُ لکم مَخرجًا!

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

درس ۱۴. تصغیر

۱. گزینه ۲

تصغیر کلمه کاتب «کُوَیتِب» می‌شود. چون اگر حرف دوم اسم حرف علّه منقلب از غیر خودش باشد، در تصغیر به اصل خویش باز می‌گردد، مثل «باب» که می‌شود «بُوَیب» اما الف منقلب از همزه یا الف زائد به واو تبدیل می‌شود مثل «آصال» منقلب از همزه «اُوَیصال» و «خادم» مشابه «کاتب» منقلب از الف زائد، به واو تبدیل می‌شود. اما اگر حرف سوم اسم «یاء» باشد در «یاء» تصغیر ادغام می‌شود مثل جَمیل که می‌شود «جُمَیّل» و اگر حرف سوم یا چهارم اسمی «الف» (گزینه ۳) یا واو (گزینه ۱) باشد، الف یا واو به «یاء» قلب می‌شود. پس تصغیر گزینه‌های ۱،۳ و ٤ صحیح است.

۲. گزینه ۱

قاعده در ساختن اسم مصغر در ثلاثی، دادن ضمه به حرف اول و فتحه به حرف دوم و افزودن «یاء» در مرتبه سوم است؛ مانند: رَجُل ← رُجَیل. برای رباعی مجرد وزن «فُعَیعِل» است، مانند: دُرَیهِم و برای خماسی وزن «فُعَیلیل» است، مانند: مُصَیبیح. مشاهده شد که در غیر ثلاثی مجرد حرف بعد از یاء تصغیر کسره دارد، مانند: دریهِم و جعیفِر. البته این امر زمانی است که بعد از آن حرف، یاء نباشد (یاء مانند: قندیل که مشاهده می‌شود باز هم حرف «دال» مکسور است). چنانچه حرف بعد از آن حرف، «واو» یا «الف» باشد، آن دو تبدیل به «یاء» می‌شوند، مانند: مُصَیبیح. با توجه به توضیحات فوق غلط بودن تصغیر در پاسخ اول روشن می‌شود، زیرا صحیح آن «جویعین» می‌باشد. (در مورد گزینه ٤ لازم به ذکر است طبق قاعده معروف نحاة: «الجمع و التصغیر یردّان الاشیاء إلی اصولها»، حرف «یاء» در کلمه "میزان" به هنگام تصغیر آن به «واو» تبدیل شده است.)

اوزان[1] تصغیر

فُعَیل	• برای تصغیر کلمات سه حرفی به کار میرود*. مثل جَبَل ← جُبَیل
فُعَیعِل	• برای مصغر کردن کلمات ۴حرفی به کار میرود**. مثل مبرَد ← مبَیرِد. همچنین کلمات پنج حرفی که تمام حروف آنها اصلی است پس از حذف حرف چهارم یا پنجم با این صیغه مصغر میشوند. مثل فرزَدق ← فَرزَد ← فُرَیزِد
فُعَیعیل	• کلمات پنج حرفی که حرف چهارم آنها حرف علّه است بر این وزن مصغر میشوند.*** مثل: قِندیل ← قُنَیدیل، عُصفور ← عُصَیفیر

*. هنگام مصغر کردن آن دسته از اسمهای مؤنث سه حرفی (ثلاثی) که علامت تأنیث ندارند باید یک «تای مدوره» به آخر آنها افزود و پیش از تای مدوره آخرین حرف واژه را نیز مفتوح کرد. مانند «عین ← عُیَینَة»؛ «هند ← هُنَیدَة» و «سماء ← سُمَیَّة» البته این قاعده در مورد اسمهای مؤنث چهارحرفی و بالاتر صحیح نیست؛ مانند: «زینب ← زُیَینِب» و «عجوز ← عجیِّز»

**. آن دسته از اسمهای پنج و شش حرفی که پس از چهارمین حرف آنها «ة»، «اء»، «یّ» و «ان زائده» آمده باشد، دقیقا مانند اسمهای ٤ حرفی مصغر میشوند. مثال: جوهَرَة ← جُوَیهَرَة. کربلاء ← کُرَیبَلاء. مسجدیّ ← مُسَیجِدیّ. زعفران ← زُعَیفران

۱. وزن صرفی با وزن اسم مصغر تفاوتهایی دارد؛ به این معنا که وزن صرفی واژه در حقیقت بیان کننده تعداد، ترتیب، حرکات و سکنات حروف واژه در قالب اصلی آن است، حال آنکه وزن اسم مصغر گویای موقعیت یاء تصغیر و تعداد حروف و حرکات و سکنات آن در حالت اسم مصغر است؛ مثلا وزن صرفی واژه «مُسیجِد» (مصغر مسجد) «مُفیعِل» و وزن تصغیری آن «فُعیعِل» است؛ بنابراین وزن اسم مصغر به مثابه قالبی است که اختصاصاً برای اسم مصغر وضع شده است.

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

***. در مواردی که حرف چهارم کلمه یا بالاتر از آن حرف مدّ نباشد باید از تعداد حروف واژه به قدری کاست که چهار حرفی شود؛ مانند: «مستخرج← مُخَیرِج» (حذف سین و تاء) و «زنجبیل← زُنَیجِب» (حذف یاء و لام)

۳. گزینه ۳

در تصغیر اسمهایی که دومین حرف آنها عله باشد، حرف عله به اصل خود برمیگردد. حال اگر حرف علـه «الـف» و منقلب از همزه باشد، یا زائد و یا مجهول‌الاصل باشد، در تصغیر به «واو» بدل میشود.
همچنین هنگام تصغیر اسمهایی که سومین حرف آنها حرف عله است ابتدا حرف عله به «یاء» بدل میشود، آنگاه بـا یـاء تصغیر ادغام میشود. چنین اسمهایی اگر به یاء مشددی ختم شده باشند که پیش از آن «یاء» دو حرف دیگر وجود داشته باشد، هنگام تصغیر یاء دوم حذف میشود و یاء اول با یاء تصغیر ادغام میشود: مانند: صَبیّ← صُبَیّ

٤. گزینه ۳

اگر حرف دوم کلمه حرف عله مقلوب باشد در تصغیر به اصل باز می‌گردد. میثاق (وثق) (گزینه ۱). جمع قلة بر لفظ خود مصغر می‌شود (گزینه ٤) و جمع کثرت مثل شعراء به مفرد باز می‌گردد و مصغر شده و سپس اگر مذکر باشد، تصغیر آن به جمع مـذکر سالم تبدیل می‌شود. شعراء: شاعر: شویعر: شویعرون. و علم و صفتی که مختوم به (ن) زائده باشند در تصغیر حرف بعد از «یاء» تصغیر مفتوح می‌شود (جوعان: جویعان). و اگر اسمی ٤ حرفی باشد حـرف بعـد از «یـاء» تصـغیر مکسـور مـی‌شـود (فنجـان: فنیجین).

٥. گزینه ۳

هرگاه دومین حرف کلمه عله باشد در تصغیر به اصل بر می‌گردد و هرگاه اسم سه حرفی مؤنث معنـوی باشـد در تصـغیر علامـت تأنیث می‌گیرد و تصغیر «تمرة» نیز بر اساس قاعده کلی است.

٦. گزینه ۲

تصغیر اسمهایی که یکی از حروف اصلی آنها حذف شده است.	
	۱. اگر تنها دو حرف داشته باشد، هنگام تصغیر حرف محذوف برمیگردد. مثال: أب← أُبَیو ← أُبَیّ
	۲. اگر به جای حرف محذوف همزه وصل به ابتدای آن افزوده شده باشد، هنگام تصغیر همـزه حذف میشود و حرف محذوف برمیگردد. مثال: إسم← سُمَیو←سُمَیّ
	۳. اگر به جای حرف محذوف، تای مدوره ای بـه آخـر آن افـزوده شـده باشـد، هنگـام تصـغیر حـرف محذوف مجددا برمیگردد و تای مدوره همچنان بر جای خود باقی میماند. مثال: عِدَة← وُعَیدَة

۷. گزینه ۱

۸. گزینه ۱

حالت صحیح سایر گزینه‌ها عبارت است از: أُکَلِیب - مُصیبیح - دُحیرِج

۹. گزینه ۳

مصغر عصا میشود عُصَیَ+ که چون مونث معنوی میباشد باید تاء تانیث بگیرد: عصَیَّه
صفه چون محذوف منه است (وِصف) میشود وُصَیفَه
جوعان باید بشود جوَیعین که چون توصیف است همان جوَیعان میشود
عنکبوت هم عُنَیکَبیت

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

۱۰. گزینه ۳

مصغر عصا در اصل میشود عُصَیو و سپس میشود عُصَیّ که چون عصا مونث معنوی است در انتهایش ة می آید یعنی عصَیَّة صفة نیز در واقع وِصف می‌باشد و مصغر آن با توجه به مونث بودن صفة میشود وُصَیفَة .مصغر جوعان در واقع باید بشود جُوَیعین. اما در اسمهای علم مانند سلمان و اوصاف مانند جوعان و عطشان نباید الف را به یاء تبدیل کرد.

۱۱. گزینه ۳

می‌شود مویعید

۱۲. گزینه ٤

۱۳. گزینه ٤

اگر حرف دوم اسمی، حرف مدّی باشد چنانچه منقلبه از واو یا یاء باشد، به اصل آن تبدیل می‌شود مانند: «میعاد و مُوَیْعید» و «موقِظ و مُیَیْقِظ» و اگر الف زائده یا منقلبه از همزه باشد به واو تبدیل می‌شود مانند: «شاعر و شُوَیْعِر». مصغّر «مَوْعِد»، «مُوَیْعِد» است. در تصغیر مؤنث معنوی سه حرفی، تاء تأنیث در تصغیر اضافه می‌شود مانند: أرض و أُرَیْضَة، شمس و شُمَیْسَة. در تصغیر اسم تفضیل ناقص، حرف بعد از یاء تصغیر کسره نمی‌گیرد مانند: أَعْلی و أُعَیْلی، أحْلی و أُحَیْلی. پس أُحَیْلي (گزینهٔ ۳) غلط است.

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

درس ۱۵. اسم منسوب

۱. گزینه ۱

در اسم منقوص ٤ حرفی، قلب و اثبات جایز است. مثل قاضی ⟵ قاضوی و قاضیّ. گزینه ۲) قرّائی: اگر همزه اصلی باشد تغییر نمی‌کند. گزینه ۳) رَحَویّ: در اسماء مقصور ۳ حرفی، «الف» به «واو» تبدیل می‌شود. گزینه ٤) بزّاز: از جمله موارد بی‌نیاز از «ی» نسبت است.

طریقه منسوب ساختن اسمهای مقصور، منقوص، ممدود و مختوم به ی مشدد

مقصور	• اگر الف مقصوره سومین حرف باشد، به «واو» تبدیل میشود. مثال: الربویّ • اگر الف مقصوره چهارمین حرف باشد و دومین حرف کلمه ساکن باشد، ۲ حالت ممکن است: الف) حذف الف مقصوره ب) تبدیل الف مقصوره به «واو». مثال: دنیویّ (دنییّ) • اگر الف مقصوره چهارمین حرف باشد و دومین حرف کلمه متحرک باشد، الف مقصوره آن حذف میشود. مثال: بردَیّ • اگر الف مقصوره پنجمین یا ششمین حرف باشد، حذف میشود. مثال: مصطفیّ
منقوص	• اگر یاء منقوص سومین حرف کلمه باشد، ابتدا یاء منقوص به «واو» تبدیل میشود و حرف پیش از آن مفتوح و آنگاه ی نسبت به آن افزوده میشود. مثال: العصر الصفویّ • اگر یاء منقوص چهارمین حرف باشد، ۲ حالت ممکن است: الف) حذف یاء منقوص ب) تبدیل یاء منقوص به «واو» و مفتوح کردن حرف پیش از آن. مثال: المرحلة الثانیّة (الثانویّة) اگر یاء منقوص پنجمین یا ششمین حرف باشد، حذف میشود. مثال: مشتریّ
ممدود	• اگر همزه برای تأنیث باشد، به «و» تبدیل میشود. مثال: صحراویً • اگر همزه جزء حروف اصلی واژه باشد، به حال خود باقی میماند. مثال: المرحلة الإبتدائیة • اگر همزه منقلب از «و» یا «ی» باشد، یا تغییر نمیکند یا به «و» تبدیل میشود. مثال: الکسائیّ/الکساویّ
مختوم به یّ	• اگر پیش از «یّ» یک حرف وجود داشته باشد، ابتدا «یّ» تفکیک میشود، سپس یاء دوم به «و» قلب میشود و یاء اول اگر در اصل «یّ» باشد، تغییر نمیکند. اگر یاء اول منقلب از «و» باشد، به اصل خود برمیگردد. مثال: حیویّ • اگر پیش از «یّ» دو حرف وجود داشته باشد، ابتدا یاء اول حذف و حرف پیش از آن مفتوح میشود ، آنگاه یاء دوم به «و» تبدیل میشود. مثال: علویّ • اگر پیش از «یّ» سه حرف وجود داشته باشد، ابتدا یاء مشدد به کلی حذف میشود، آنگاه یاء نسبت به آن افزوده میگردد. مثال: شافعیّ

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

۲. گزینه ۲

اسم منسوب کلمه «إثنان» ثنویّ است. این اسم با حذف علامت تثنیه، به صورت مفرد، منسوب می‌شود.

✐ **نکته:** در منسوب ساختن اسمهای مثنی و جمع باید آنها را به مفرد خود بازگرداند[۱]، اما اگر اسم، مفردی از لفظ خود نداشته باشد، اسم منسوب از همان لفظ ساخته می‌شود. مثال: أبابیل← أبابیلیّ

۳. گزینه ۱

برای ساختن اسم منسوب از اسمهای علم مرکب اسنادی و مزجی، جزء دوم آنها حذف و اسم منسوب از جزء اول ساخته میشود. مثل «تأبط شراً» می‌شود «تَابطی» و همین گونه است مرکب مزجی مثل «معدی کرب» که در نسبت می‌شود «معدّوی»، مانند گزینه ٤، گاهی هر دو قسمتش مجموعاً منسوب می‌گردد، مانند «معدی کربّی» در گزینه ۳ و یا جزء جزء آن منسوب می‌شود، مثل «معدویّ کربیّ» در گزینه ۲. در نتیجه منسوب در گزینه ۱ اشتباه است.

٤. گزینه ۱

صحیفة ← صَحَفیّ، پس گزینه ۱ غلط می‌باشد. بقیه گزینه‌ها درست می‌باشند.

✐ **نکته:** در افزودن یاء نسبت به اسمهایي چون "فَعِیلة"، در صورتی که مضاعف و اجوف واوی نباشد، یاء حذف و حرف پیش از آن، مفتوح می‌گردد. مانند: حَنَفِيّ، رَبَعِيّ، عَلَوِيّ، صَحَفِيّ در نسبت به: حَنیفه، رَبیعه، عَلِیّه و صَحیفه

ولی در مضاعف و اجوف واوي این وزن، همان قاعدة کلی نسبت جاری است. مانند: "جَلیلِيّ و طَوِیلِيّ" در نسبت به: جَلیله و طَویله.

۵. گزینه ٤

اسم‌های «فَعیلة» و «فُعَیْلة» به ترتیب «فَعَلِيّ» و «فُعَلِيّ» منسوب می‌شوند مگر آنکه مضاف یا معتلّ العین باشند که به همان صورت خود منسوب می‌شوند مانند: «جَلیلة» / «جلیليّ» و «نُوَیْرة» / «نُوَیْرِيّ». در نسبت اسم‌های مختوم به الف تأنیث ممدوده، همزه تبدیل به واو می‌شود مانند: سوداء / سوداويّ، صحراء / صحراويّ. بنابراین در گزینۀ ۴، «صحراویّون» صحیح است.

٦. گزینه ٤

اسم منسوب حقیقه، چون این کلمه مضاعف است، می‌شود حقیقی.

۷. گزینه ۳

در ساختن اسم منسوب از جمع مکسّر شرط است که یاء نسبت به مفرد آن افزوده شود مانند مکاتب و مکتبيّ.

---

۱. حکم ملحق به مثنی و ملحق به جمع سالم در نسبت همان حکم مثنی یا جمع است. یعنی علامت جمع یا تثنیه از آن حذف می‌شود.
مانند: إثنین ← إثنیّ (ثَنَویّ)، سنین← سنویّ، بنین← بنَویّ (إبنیّ). در جمع مؤنث سالم نیز علامت جمع مؤنث حذف میشود. مثال: زینبات←زینَبیّ

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

درس۱٦. اعداد

۱. گزینه ٤

«إحدی» صفت شده و مؤنث است. و «ستین» هم طبق عطف بر «سنة» باید مجرور باشد یعنی با «یاء» بیاید.

۲. گزینه ۱

تمییز اعداد ۱۱ تا ۹۹ مفرد است و منصوب که تنها در گزینه ۱ آمده است حال آنکه «درجة» مؤنث است و جزء اول اعداد معطوف از لحاظ جنس خلاف معدود می‌آید که در گزینه‌های ۲ و ٤ «خمسة» آمده و نادرست است و در گزینه ۳ نیز «درجات» آمده که جمع است و نادرست.

۳. گزینه ۲

عدد معطوف است و معدود اعداد ۱۱ تا ۹۹ مفرد و منصوب است و جزء اول آن نیز از لحاظ جنس مخالف معدود می‌آید.

٤. گزینه ۱

در گزینه ۲ اربعمأئةٌ سنةً نادرست و باید اربعمائةِ سنةٍ باشد در گزینه ۳ باید به جای «ثلاث عشرة قرن» ثلاثه عشر قرناً باشد چون معدود اعداد ۱۱ تا ۹۹ مفرد و منصوب است و جزء اول اعداد مرکب (۱۳-۱۹) از نظر جنس مخالف معدود می‌آید. در گزینه ٤ الفین عاماً نادرست و باید «الفی عامٍ» باشد چون معدود مئه و الف مفرد و مجرور و «ن» الفین هم به دلیل اضافه شدن حذف می‌شود.

٥. گزینه ۲

در گزینه ۲ «فرق» جمع «فرقة» بوده و عدد مفرد است و باید مخالف معدود که مونث است بیاید که بر این اساس به صورت مذکر بیان شده است. در گزینه ٤ معدود اعداد مرکب (٥٥) که باید مفرد و منصوب باشد که جمع آمده و غلط است. در گزینه ۳ معدود عدد مفرد که باید جمع و مجرور باشد مفرد و منصوب و همجنس آمده است که غلط است. در گزینه ۱ نیز خمسین که از اعداد عقود است معدود آن باید مفرد و منصوب باشد.

٦. گزینه ٤

«حجج» جمع «حجة» وعدد باید مذکر بیاید که در گزینه ٤ آمده است و «ابنتی» متشکل از ابنتین و «ی» متکلم است که «نون» مثنی در حالت اضافه حذف شده است. و «هاتین» صفت برای «ابنتین» است

۷. گزینه ۲

تمییز اعداد معطوف مفرد و منصوب است، پس گزینه‌های ۳ و ٤ حذف می‌شوند گزینه ۱ نیز غلط است، به دلیل مونث بودن «خمسة» که براساس قواعد عدد باید با تمییز مونث، مذکر و با تمییز مذکر، مونث بیابد.

۸. گزینه ۱

«طالبة» مفرد و «طلبة» جمع «طالب» است. معدود عدد «اثنین و عشرین» باید مفرد و منصوب باشد نه جمع، یعنی اثنین و عشرین طالباً

✎ **نکته:** در تذکیر و تأنیث، مفرد معدود ملاک است نه جمع آن.

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

۹. گزینه ۲

در گزینه ۱، تمییز عدد (لیلة) مقدم آمده که نادرست است. در گزینه ۳، تمییز عدد باید مفرد و منصوب باشد (درجةً). همچنین این گزینه غلط است به دلیل مونث بودن «خمسة» که براساس قواعد عدد باید با تمییز مونث، مذکر و با تمییز مذکر، مونث بیابد. در گزینه ٤، هر دو جزء عدد ۱۲ از لحاظ جنس (مذکر و مؤنث بودن) تابع معدود است: (اثنا عشر امیراً)

۱۰. گزینه ٤

چون عدد اربعون نقش خبر را دارد، در نتیجه مرفوع می‌باشد و مرفوع اعداد عقود با «واو» و «نون» می‌آید. لذا معدود اعداد عقود مفرد است و منصوب. و «اربعة» جزء اعداد اصلی است که در این جمله معدود آن «جوانب» می‌باشد و آن جمع است و مجرور. اعداد ۱۰-۳ از نظر تذکیر و تأنیث بر خلاف عدد است؛ یعنی اگر عدد مؤنث باشد معدود مذکر می‌آید و برعکس

۱۱. گزینه ۲ و ۳

چون «اثنتاعَشَرَ» جزء اعداد مرکب است. عدد مرکب از یازده تا نوزده را شامل می‌شود. حکم عدد مرکب این است که با معدود مذکر جزء اولش مؤنث و جزء دومش مذکر میشود، مثل ثلاثة عشر رجلاً. با معدود مؤنث جزء اولش مذکر و جزء دومش مؤنث است، مثل ثلاثَ عشرة امراة، به جز یازده و دوازده (احد عشر، اثنی عشر) که با معدود مذکر، مذکر و با معدود مؤنث، مؤنث می-باشد. مثل احد عشر رجلاً و احدی عشرة امراة.

عبارت درست در گزینه ۳ بدین شکل است: اثنا عشر الف طالبةٍ (۱۲ هزار دانشجو).

عبارت درست در گزینه ۲ بدین شکل است: ثلاثةَ عشرَ ألفَ طالبةٍ.

۱۲. گزینه ٤

در گزینه اول برای معرفه ساختن عدد مرکب (خمسة عشرة)، الـ تعریف به جزء اول عدد ملحق میشود، همچنین معدود این عدد مرکب، باید به صورت مفرد و منصوب ذکر شود. در این گزینه کلمه «المروی» صفت «لغة» بوده و باید به صورت مؤنث ذکر شود.

در گزینه دوم، جزء اول عدد «الخمس عشر» با معدود مذکر، باید به صورت مؤنث ذکر شود. همچنین در این گزینه «الجاهلی» صفت برای «الایام» بوده و باید به صورت مؤنث ذکر شود.

در گزینه ۳ نیز اولا کلمه «المروی» صفت «لغة» بوده و باید به صورت مؤنث ذکر شود. ثانیا جزء اول عدد «الخمس عشر» با معدود مذکر، باید به صورت مؤنث ذکر شود.

۱۳. گزینه ۳

١٤. گزینه ۳

«الفٌ و تسعمائةٍ و أربعةٌ و ثمانون» می‌باشد. این اعداد به یکدیگر عطف شده اند و إعراب همگی یکسان و رفع است؛ زیرا اولین جزء از این اعداد که کلمه «ألف» است مبتداست برای جار و مجروری که خبر واقع شده است و می دانیم مبتدا مرفوع است، پس بقیه اجزاء این عدد هم که بر «الف» عطف شده اند مرفوع هستند و اصولاً خود عدد نقش پذیراست و در اعراب نقش‌هایی چون فاعل، مفعول، مبتدا را می‌پذیرد و تمییز به دنبال آن می‌آید.

۱۵. گزینه ۳

کلمه «مائة» به معنای: صد و تثنیه آن «مأتین» به معنی: دویست است. این دو عدد به معدود خود اضافه می‌شوند. در ترکیب «یکان» و «دهگان» تقدیم و تأخیر هر دو جایز است. با توجه به این توضیحات مشاهده می‌شود پاسخ ۳ خطاست.

١٦. گزینه ۲

"احد عشر" و "اثنا عشر" از نظر جنس با معدود خود مطابقت تام دارد. و اعداد ۳ تا ۱۰ خلاف جنس معدود می‌آیند و معدود آنها جمع و مجرور است و معدود اعداد ۱۱ تا ۹۹ مفرد و منصوب است

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

۱۷. گزینه ۲

اعداد ترتيبي در تذكير و تأنيث مطابق معدوداند، غير از عقود.
در گزینه ۱، «الفين» به معدود خود اضافه مي‌شود. پس رأيتُ ألفَي طالبةً.
در گزینه ۳ عدد معطوف بايد از اعراب هم پيروي كنند. پس ← هناك اربعةَ عشرَ ألفاً و خمسُائةٍ و أربعٌ و ستون طالباً. در گزینه ٤ چون «الصفحة» مفعول به است و منصوب اعداد معطوف ديگر بايد تابع آن باشند يعني «الاربعين» درست است.

۱۸. گزینه ۱

معدود اعداد از ۳ تا ۱۰ جمع است و مجرور. معدود اعداد ۱۰۰ و ۱۰۰۰: مفرد و مجرور و بقیه مفرد و منصوب. آلاف: جمع مجرور است پس باید عددش ۳ تا ۱۰ باشد بنابراین گزینه ۱ نیست (أحد عشر ألفاً).

۱۹. گزینه ۲

طلبة، جمع طالب است. طالبة مفرد مونث است. در نتیجه: عدد برای طلبة باید بین ۳ تا ۱۰ باشد (جمع و مجرور) در اعداد طولانی مثل ٤٧٥٢، معدود را برای آخرین جزء عدد می‌آوریم. گزینه ۲: برای طلبة، غلط است چون اثنین و عشرین، ۳ تا ۱۰ نیست؛ گزینه ۳ و ٤ هم برای طلبة درست است چون "مئتين و ثمانية" و "عشرة" ۳ تا ۱۰ می باشد.

۲۰. گزینه ٤

در کتابخانه دانشکدة ما ۹۰۲ کتاب است. گزینه ٤ غلط است زیرا حتما باید إثنان بعد از معدود بیاید. باید می شد: کتابان إثنان (صفت و موصوف)؛ اعداد ۱ و ۲، حتما پس از معدودشان می آیند.

۲۱. گزینه ۳

«نیف» به معنی «اندی»، «اندکی» است و بعد از اعداد عقود «مئة» و «الف» و «ملیون» و مثل آن می‌آید. و نمی‌تواند بعد از اعداد ۱-۹ بیاید. محدوده «نیف» بین ۱ تا ۹ است. این کلمه با معدود مذکر و مؤنث به طور یکسان به کار میرود

۲۲. گزینه ۱ و ٤

در گزینه ۱ معدود قبل از عدد ذکر شده، همچنین برای معرفه ساختن عدد مفرد، الـ تعریف تنها به معدود ملحق می‌شود. حالت صحیح: اربعُ المقالاتِ.
باید توجه داشت که گاه عدد اصلی پس از معدود خود و به عنوان صفت آن به کار میرود؛ مانند «سبع» در آیه مبارکه «تُسَبِّحُ لَهُ السَّماواتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ فيهِنَّ» (= آسمانهای هفتگانه). در این حالت اگرچه این عدد برای معدود خود صفت به شمار میرود، ولی از نظر جنس همچنان رابطه بین این دو واژه رابطه عدد و معدود است، نه رابطه صفت و موصوف؛ به این معنا که اگر معدود که در اینجا موصوف است، مذکر باشد، عدد آن که در اینجا صفت است، مؤنث است و بالعکس. بنابراین اکنون که عدد به عنوان صفت به کار رفته است، همچنان قاعده تذکیر و تأنیث عدد به قوت خود باقی است.
گزینه ٤ نیز غلط است زیرا الف و لام تعریف باید بر سر هر دو جزء عدد معطوف بیاید. یعنی شاهَدْتُ الاثنین و الثلاثین طالباً و طالبةً ...

۲۳. گزینه ٤

اعداد اصلی ۱۳ تا ۱۹ در یکان خود با جنس معدود مخالفت و در دهگان موافقت می‌کنند امّا در عدد ترتیبی هر دو جزء عدد به لحاظ جنس با منعوت مطابقت می‌کند و حرف تعریف تنها بر جزء اوّل داخل می‌شود.

۲۴. گزینه ٤

«نیف» به معنی «اندی» ، «اندکی» است و بعد از اعداد عقود «مئة» و «الف» و «ملیون» و مثل آن می آید.

۲۵. گزینه ۲

این عبارت از قبیل موارد رجحان رفع است ولی اشتباهی در این جمله دیده نمی‌شود با اینکه فصیح نیست.

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

۲٦. گزینه ۲

از آنجا که "ألف" به معدود خود اضافه می شود، باید "ألفی" باشد چون مثنی است و "ن" تثنیه در حالت اضافه حذف می شود. در گزینه ۳، اربعاً نادرست و باید "اربعةً" باشد. چون در اعداد معطوف جزء اول آن مخالف معدود (جنس) می‌آید. در گزینه ٤ هم باید "الثامنةَ و التسعین" باشد.

۲۷. گزینه ۳

کاربرد کلمه «نیف» در این گزینه اشتباه است.

۲۸. گزینه ۲

«نَیِّف» با اعداد عقود و «مائه» و «ألف» مي‌آید.

۲۹. گزینه ۱

صورت صحیح: «اثْنا عَشَرَ أَلْفَ ناخبةٍ» است زیرا «ألْف» که معدود «اثْنا عَشَرَ» است مذکّر است و به همین دلیل هر دو جزء عدد مرکّب باید مذکر به کار روند.

۳۰. گزینه ۲

زیرا «نیّف» (عددی نامعلوم بین ۱ تا ۱۰)، تنها بعد اعداد عقود، «مائة» و «ألف» واقع می‌شود.

۳۱. گزینه ۲

در تعریف عدد مرکّب علامت تعریف باید بر سر جزء اوّل بیاید و تمییز نیز باید به صورت نکره و منصوب بیاید. گزینهٔ ۲ از این لحاظ درست است امّا اشکال آنجا است که چون «آن دوازده کتاب» جمع است، اسم موصولی که صفت آن واقع شده باید «الّتي» می‌آمد نه «الّذي» و به همین جهت ضمیر عائد صله نیز مؤنث آمده است. در تعریف اعداد مفرد کتاب مبادی مُجاز دانسته است که حرف تعریف یا بر سر عدد یا بر سر معدود و یا بر سر هر دوی آنها بیاید (مبادئ العربیة، قسم الصرف، ص۲۶۵). در تعریف اعداد معطوف نیز حرف تعریف بر سر هر دو جزء آمده و معدود به صورت نکره و منصوب می‌آید (گزینهٔ ۳). اگر عدد نعت معدود واقع شود، واضح است که در تعریف و تنکیر عدد از معدود پیروی می‌کند مانند: السماوات السبع و الکتب الثلاثة (بهتر است عدد بین سه تا ده در جنس مخالفت کند ولی واجب نیست).

۳۲. گزینه ۴

یاء اسم منقوص در حالت اضافه حذف نمیشود و باید ثمانی میبود.

۳۳. گزینه ۲

بضع و بضعة عددی نامعین بین ۳ تا ۹ می‌باشد. در حالیکه در صورت سوال ۱۰ تا از آن را بخشیده است که غیر ممکن است.

گزینه ۱ بعد از کأین باید خبر به صورت فعل یا شبه جمله بیاید که درست است (درسنامه صرف و نحو حافظون دکتر ذوقی صفحه ۲۱۴) درس۲۲ تمییز

گزینه۳ ممیز کذا همیشه به صورت مفرد منصوب می آید (درسنامه صرف و نحو حافظون دکتر ذوقی صفحه ۲۱۴) درس۲۲ تمییز

گزینه ۴فلان برای مذکر و مونث متفاوت می آید به صورت فلان و فلانة.

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

التدريب العام

١. گزینه ٤

در این گزینه «اسمعن» امر جمع مونث مخاطب می‌باشد که «لاتکونون» نادرست و باید «لاتکنّ» باشد.

٢. گزینه ٢

هَلُمَّ، هَیا، هیتَ (اِسرِع، آتِ: شتاب کن، بیاور)

٣. گزینه ٤

«تَوَفَّ» از ریشه وَفَیَ، لفیف مفروق می‌باشد که به باب تفعّل رفته است. «تَتَوَفَّی» که هنگام تبدیل به فعل امر حرف مضارع «ت» حذف می‌گردد و چون ابتدا به ساکن نمی‌باشد نیاز به همزه نیست و «ی» آخر فعل نیز به خاطر معتل بودن هنگام جزم کردن فعل حذف می‌گردد.

٤. گزینه ٢

ریشه فعل «یُحِبُّ» حَبَبَ است. در فعل مضاعف یکی از حروف اصلی (ریشه فعل) دو بار تکرار شده است. در گزینه ١) «تبرّجن» فعل صحیح از ریشه بَرَجَ است که به باب تفعُّل رفته است. در گزینه ٣ «اِتّقِ» از ریشه وَقَی می‌باشد که معتل از نوع لفیف مفروق می‌باشد. هرگاه حروف عله (و / ی) هر دو در یک فعل باشند و بین آنها حرفی فاصله باشد آن لفیف مفروق است. اگر بین آنها حرفی فاصله نباشد مثل «حَیِیَ» آن لفیف مقرون است. «لاتثقنّ» در گزینه ٤ معتل مثال از ریشه وَثَقَ است که با نّ مؤکد شده است.

٥. گزینه ٣

٦. گزینه ٣

هلمَّ با حرف جر إلی یعنی (زود بیا: أسرع) ولی «هلمَّ» بدون حرف جر متعدی است و به معنای «حاضر کن» به کار می‌رود، مانند: قُلْ هَلُمَّ شُهَداءَکُمُ الَّذینَ یَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هذا.

٧. گزینه ١

صحیح عبارت فوق به ترتیب چنین است: قل لِمَنْ یبکون علی رسمٍ دَرَسَ واقفین، ما ضَرَّ لو کانوا جلسوا.

٨. گزینه ٢

چنین تعابیری در زبان صحیح نیست که به وسیله حرف جر، از فاعل حقیقی جمله پرده برداشته شده باشد. البته باید توجه داشت که در صورتی که جارومجرور، نائب فاعل جمله باشد، نباید مجرور به حرف جری باشد که برای بیان علت به کار می‌رود. مثل «یُخافُ من بأسِک» که نائب فاعل در این جمله به جای «من بأسک»، ضمیر مستتر «هو» است.

٩. گزینه ٤

«مُتَزَمِّل» می‌تواند با ابدال تاء باب به فاء الفعل به صورت «مُزَّمِّل» تبدیل شود.

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

۱۰. گزینه ۱

الحاق نون وقایه به افعال ماضی و امر و نیز افعال مضارع (به جز امثلهٔ خمسه در حالت رفع)، افعال جامد (مانند افعال استثناء و افعال تعجّب) و نیز حروف «مِنْ» و «عن» واجب است. الحاق نون وقایه به حروف مشبهة بالفعل و امثلهٔ خمسه در حالت رفع جایز است.

۱۱. گزینه ٤

چون خطاب به مفرد مؤنث است باید به صورت «ما لکِ؟ یُعَارُ علیکِ و لا تُغَیرینَ» باشد.

۱۲. گزینه ۲

در گزینهٔ ۲، ابدال (تبدیل حرف عله به حرف صحیح) و در سایر گزینه‌ها قلب (تبدیل حرف عله به عله) رخ داده است.

۱۳. گزینه ؟

در پاسخنامهٔ سازمان سنجش، گزینهٔ ۴ پاسخ این سؤال اعلام شده است. امّا باید گفت اوّلاً ریشهٔ «و م ر» در زبان عربی کاربرد ندارد. ثانیاً همزه در«اِئْتَمَرَ» در اثر تخفیف جوازی همزه می‌تواند به یاء (یعنی: «ایتَمَرَ») تبدیل شود امّا تبدیل این یاء مبدله از همزه به تاء همچون زمانی که فاء الفعل واو یا یاء اصلیه باشد (مانند: اِتّحد و اِتَّسَرَ)، محلّ تردید است. عملاً هم کتب مشهور لغت این ابدال را در این واژه گزارش نکرده‌اند. شایسته است در طراحی این سؤالات از وجود ریشه‌ها یا وجود کلمات در کتب لغت اطمینان حاصل شود و به صرف قیاس‌های ذهنی اکتفا نشود.

١٤. گزینه ۲

«عُداة» جمع «العادي/ عادٍ» است و به طور کلّی اسم فاعل از منقوص بر وزن «فُعَلَة» جمع بسته می‌شود که به جهت اِعلال، حرف علّه قلب به الف می‌شود مانند: «الهادي/ هادٍ ج هُداة» و «الرامی/ رامٍ ج رُماة». «أرْزاء» جمع «رُزْء» است یعنی مصیبت. «عَدّاء» صیغهٔ مبالغه بر وزن «فَعّال» از ریشهٔ «ع د و» است که حرف علّه بعد از الف زائده (در اسم) قلب به همزه می‌شود. «مِبْراة» نیز اسم آلت بر وزن «مِفْعَلَة» از ریشهٔ «ب ر ي» به معنای تراشیدن است یعنی سوهان؛ و به طور کلّی تنها حالت قیاسی ساخت اسم آلت، فعل‌های معتلّ اللام است که بر وزن «مِفْعَلَة» ساخته می‌شوند مانند مِطْواة (چاقوی تاشو) و مِذْراة (چنگک کاه‌پراکنی).

۱۵. گزینه ٤

در این گزینه عائد صله، ضمیر بارز، «ا» در فعل«جاءا» است.

توجه کنید که در نگاه اول، هر دو گزینه اول و چهارم دارای ضمیر عائد بارز هستند ولی دقت کنید که در گزینه اول، «من» شرطیه است نه موصوله. «من» شرطیه نیازی به ضمیر عائد ندارد.

١٦. گزینه۱

اگر بخواهیم ضمیر عائد الصله را مانند گزینه های ۲و۳و٤ مورد تاکید یا حصر قرار بدهیم اجازه حذفش را نداریم.

۱۷. گزینه ۲

المدیرة

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

بخش۶. پاسخنامهٔ

نحـو

درس ۱. نصب فعل مضارع

۱. گزینه ۱

فعل «یحبون» فعل مضارع مرفوع به ثبوت نون، فعل «و یحمدوا» منصوب به حذف نون (زیرا قبلش حرف ناصبه آمده است) و فعل «یفعلوا» مجزوم به حذف نون؛ زیرا قبلش لَم جازمه آمده است.

۲. گزینه ۳

«إذن» فقط به سه شرط فعل را منصوب می‌کند:

۱- در صدر جوابی باشد که با آن جواب داده می‌شود.

۲- متصل به فعل باشد.

۳- فعل، مستقبل باشد.

۳. گزینه ۳

فاء وقتی ناصب به آن مقدره به شمار میرود که به لحاظ معنایی بیانگر سبب وقوع جمله ماقبل باشد و مسبوق به جملات منفی یا طلبی نیز باشد.

٤. گزینه ۲

توضیح: در گزینه‌های ۱ و ۳ فاء سببیه بر سر فعل آمده و آنها را منصوب کرده و در گزینه ٤ حرف ناصبه «حتی» ذکر شده است. توجه داشته باشید که بعد از افعال یقینی، حرف ناصبه ذکر نمی‌شود.

٥. گزینه ٤

می‌دانیم چنانچه حرف «أن» پس از فعلی که مفید «علم» باشد قرار گیرد، مخففه از ثقیله است و بعد از فعل مفید «ظن» دارای دو وجه (ناصبه مصدری، مخففه از ثقیله) و بعد از فعل غیر «علم و ظن» ناصبه مصدریه است. بنابراین نه «أن» ناصبه است و عامل و نه «لا» ناهیه و جازم است.

٦. گزینه ۲

وقتي "أن" بعد از افعال يقين بيايد، مخففه از ثقيله خواهد بود و اسم آن ضمير شان محذوف است و "أن" در اينجا نمي تواند مضارع بعد از خود را نصب دهد چون در واقع "أنّ" است كه مخفف شده است.

۷. گزینه ۲

"فاء" در این عبارت، فاء سببیه نامیده می شود یعنی فایی که مسبوق به نفی یا طلب محض باشد که در این صورت با "أن مقدره" فعل مضارع بعد از خود را منصوب می‌کند و از آنجا که فعل مضارع "أخشی" ختم به الف است. اعراب آن در دو حالت رفع و نصب تقدیری است و اگر فعل مختوم به یاء باشد، نصب آن ظاهری و رفع آن تقدیری است.

۸. گزینه ۳

۹. گزینه ٤

می‌دانیم برای آنکه فعل مضارع بعد از فاء سببیه یا واو معیت، منصوب به «أن» ناصبۀ مقدّره شود، لازم است که مسبوق به طلب محض یا نفی محض باشد. مراد از طلب محض آن است که صیغۀ امر به کار رود (نه اسم فعل امر، مصدرِ جانشین فعل امر یا

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

عبارتی که ظاهر خبری داشته باشد مانند حسبك الحديثُ). و مراد از نفی محض آن است که نفی با «إلاّ» به ایجاب تبدیل نشده باشد.

۱۰. گزینه ۱ و ۲

زیرا «ظَنّ» و «حَسِبَ» از افعال ظنّی هستند و أن واقع پس از افعال ظنّی هم ناصبه هستند و هم مخففه.

۱۱. ...؟...

در گزینه‌ها خطایی مشاهده نمی‌شود.

۱۲. گزینه ٤

لام جحود بر سر خبر کان منفي مي‌آيد و بعد از «أن» ناصبه‌اي وجوباً در تقدير است كه باعث نصب فعل مضارع پس از آن مي‌شود.

۱۳. گزینه ۲

زیرا لام جحود تنها بر سر خبر «کان» منفی می‌آید. لام در گزینه‌های ۱ و ۳، لام تعلیل و در گزینهٔ ۴، لام ابتداء است.

۱٤. گزینه ۱

«أنجح» حتماً منصوب است زیرا ناصب «أن» بر آن داخل شده امّا «أن» در «أفلا تری أن لا ینجح» مخففه از مثقله (ثقیله) است زیرا «أن» که بعد از افعالِ دالّ بر یقین داخل می‌شود همیشه مخففه از ثقیله (مثقله) است؛ پس «لا ینجحُ» مرفوع خواهد بود.

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

درس ۲. جزم فعل مضارع

۱. گزینه ٤

هرگاه جواب شرط مضارع منفی با «لم» باشد، آوردن «فاء» جزاء ممنوع است مانند گزینه ۱. هرگاه جواب شرط فعل جامد باشد آوردن «فاء» واجب است مانند گزینه ۲. همچنین بر سر جمله اسمیه هرگاه جواب شرط باشد نیز «فاء» واجب است، مانند گزینه ۳.

۲. گزینه ۳ و ۲

هرگاه شرط و قسم با هم در یک جمله بیایند و قبل آنها کلمه‌ای به عنوان مبتدا ذکر شود، جواب مذکور متعلق به شرط خواهد بود. در گزینه ۳ چون «الانسان» مقدم شده و مبتدا است، نیاز به جواب شرط دارد و جواب شرط هم مضارع مجزوم خواهد بود، بنابراین «نون» رفع در مضارع باید حذف شود.

علت خطا بودن عبارت گزینه ۲ آن است که اگر قسمِ مقرون به فاء متأخر از شرط واقع شود، جمله جواب قسم خواهد بود و احکام آن را خواهد پذیرفت آنگاه مجموع جمله قسم و جمله جواب قسم، جواب شرطِ متقدّم بوده و فاء، فاء جزاء می‌باشد. با توجه به این مطلب صحیح عبارت فوق چنین است: «إن یحترِم الانسانُ الآخَرین فَوَ اللهِ فَیَحْتَرِمُنَّهُ».

حالت‌های جمله جواب قسم

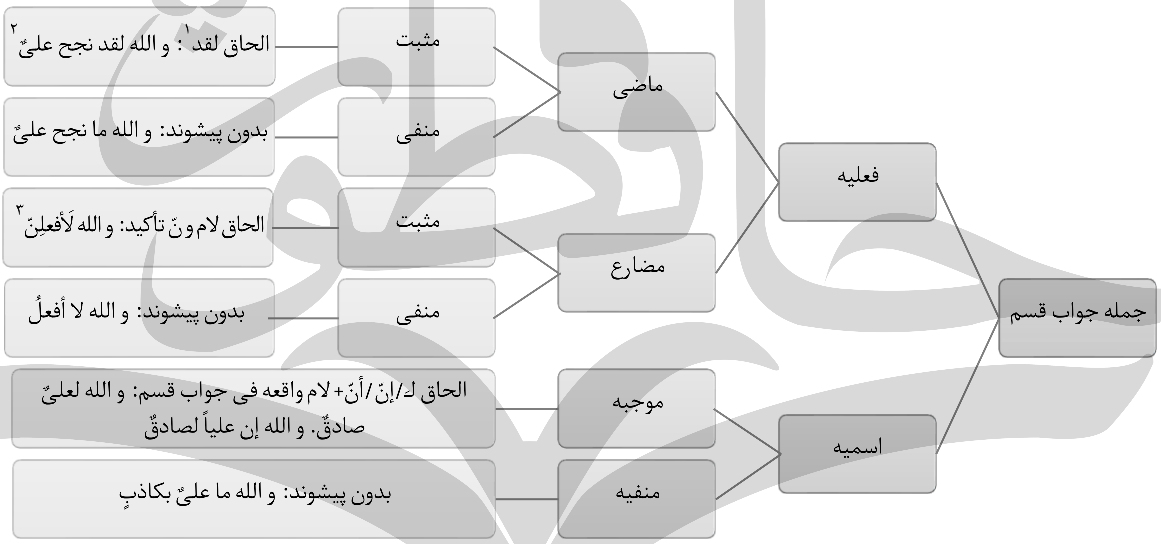

۱- بنابراین می‌توان گفت: ترکیب «لقد» نشانگر قسم است. به عنوان مثال ترجمه صحیح آیه شریفه «وَ لَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَراهُ ما لَهُ فِي الآخِرَةِ مِنْ خَلاقٍ» عبارت است از: به خدا قسم و قطعاً [یهودیان] دریافته بودند که هر کس خریدار این [متاع] باشد، در آخرت بهره‌ای ندارد.

۲- تنها مورد استثنایی این قاعده، آیه شریفه «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاها» است که بدون لـ بیان شده است.

۳- در جمله «و لَسوف یعطیک»، نّ تأکید ملحق نشده است، چراکه بین فعل و لام تأکید فاصله افتاده است.

۳. گزینه ۲

چون یکی از موارد وجوب فاء بر سر جواب شرط فعل طلبی است که «فلاتشمت» فعل طلبی و مضارع نهی است. در گزینه ۳ جایز است، چون اگر مضارع مثبت باشد، جایز است حرف «فَ» بر سر جواب شرط بیاید. در گزینه ٤ نیز آوردن «فاء» جایز است، چون اگر فعل مضارع منفی به وسیله «لا» باشد آوردن «فاء» جایز است. در گزینه ۱ که شرط و قسم با هم جمع شده است، اولا جواب متعلق به شرط است، ثانیا چون جواب شرط مضارع مثبت است، ذکر فاء جوازی است.

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

۴. گزینه ۲

توضیح: فعل «یذهبوا» به همین شکل باقی می‌ماند؛ زیرا أن ناصبه بر سرش آمده و نون آخرش را به نشانه منصوب بودن حذف کرده است. «لن تجتهدین» به «لن تجتهدی» مبدل می‌شود؛ زیرا «لَن» حرف ناصبه است و نون فعل به واسطه آن حذف می‌شود. «یطو» به «یطوی» مبدل می‌شود؛ زیرا هیچ عاملی بر سرش نیامده و به همان شکل اصلی‌اش باید باقی بماند. «لم-یبقی» به «لم‌یبق» مبدل می‌شود؛ زیرا «لم» حرف جازمه است و حرف یاء آخر فعل را به نشانه جزم حذف می‌نماید. «تعلّمان» نیز به دلیل خالی بودن از هر عاملی (نصب یا جزم) به همان شکل باقی می‌ماند.

۵. گزینه ۱

زیرا اگر فعلِ جواب شرط مضارع منفی به «لا» باشد که دالّ بر مستقبل است آنگاه آمدن فاء جزاء جایز است اما در گزینه ۴، فاء سببیّه است و چون بعد از نفی محض آمده، آمدن فاء واجب است؛ به خلاف زمانی که فاء پس از طلب بیاید که می‌توان با استفاده از اسلوب مضارع مجزوم در جواب طلب آن را حذف کرد.

۶. گزینه ۲

در گزینه ۱ جواب شرط مقرون به «سـ» است و باید «فاءالجزاء» بگیرد. در گزینه‌های ۳ و ۴، ذکر نواسخ پیش از ادوات شرط، حروف شرط را از عمل انداخته و مانع جزم فعلها میشود.

۷. گزینه ۲

با توجه به معنای عبارت فوق جواب صحیح تشخیص داده می‌شود مفاد عبارت چنین است: «اگر پیروز شوید غنیمت و گشایش از آن شماست و اگر مغلوب شوید بهشت از آن شما خواهد گردید» دو فعل تظفروا و تغلبوا به ترتیب معلوم و مجهول‌اند پس فعل تغلبوا باید مجهول نوشته شود «تُغلَبوا» و دوکلمه «الغنیمة و الجنة» نیز می‌توانند مبتدا برای خبر محذوف باشند پس مرفوع‌اند. درهر صورت عبارت دارای تقدیر است.

۸. گزینه ۳

ایُّ دارای ۵ وجه است که به طور خلاصه: ۱- ایّ شرطیه ۲- ایّ استفهامیه ۳- ایّ دال بر کمال ۴- ایّ موصوله ۵- ایّ وصلیه. در این سوال ایُّ جازم شرط و جزاست پس دو فعل «تعمل و یعمل» هردو مجزومند و از طرف دیگر خود أیُّ مفعول تعمل است پس منصوب است لذا اعراب صحیح «ایَّ عملٍ تعمل یعمل أخوک» می‌باشد.

۹. گزینه ۳

برای درک پاسخ این سؤال باید کلمه «أینما» را شناخت. اصل این کلمه، کلمه «أین» بوده است (اسم استفهام از مکان). سپس به آن حرف «ما زائده» افزوده شده است. در این عبارت، دو فعل «تکونوا» و «یدرکْ» بوسیله «أینما» مجزوم گردیده‌اند. با این تفاوت که جزم «یدرک» با سکون و جزم «تکونوا» با حذف نون علامت اعراب رفع صورت گرفته است.

۱۰. گزینه ۲

پاسخ سؤال گزینه: «إن تدرسا تنجحان»، زیرا شرط و جزا دارای ۴ حالت‌اند. الف) هر دو مضارع‌اند (هر دو مجزوم می‌شوند)؛ ب) هر دو ماضی‌اند (ماضی مبنی است و در آن تغییری ایجاد نمی‌شود)؛ ج) اولی ماضی و دومی مضارع است (فعل مضارع می‌تواند مجزوم یا مرفوع باشد)؛ د) اولی مضارع و دومی ماضی (فعل مضارع حتماً باید مجزوم باشد. در گزینه ۲ با آنکه فعل شرط مضارع است، جواب شرط مجزوم نشده است و این اشتباه است.)

۱۱. گزینه ۴

هرگاه جواب شرط همراه سین یا سوف یا لن یا .... بیاید و یا به صورت جمله اسمیه باشد بایستی «فاء» بر ابتدای آن وارد شود.

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

۱۲. گزینه ۲

اسماء شرط صدارت طلبند، بنابراین اگر قبل از آن‌ها عاملی قرار گرفته و در آن‌ها عمل نماید، عمل جزم دادن آنها باطل شده و از شرطیت خارج گشته و فعل مضارع پس از آن‌ها رفع می‌گیرد. بنابراین گزینه ۲ خطاست و البته در گزینه ۳ نیز اشتباهی رخ داد، زیرا اعراب «یجد» لفظی است نه محلی.

۱۳. گزینه ۱

«هرگاه به خانه برگردي، آن را پاكيزه مي‌بيني.» حتما توجه داريد كه اولا لمّا در صورتي كه مسبوق به فعل ماضي باشد، جزو ادوات شرطيه ظرفيه غيرجازمه خواهد بود. ثانياً «لمّا + فعل ماضي»، «إذا + مستقبل» به كار مي‌روند و اگر «إذا + فعل ماضي» بيايد باز هم معناي مستقبل مي‌دهد. ثالثاً «البيت» مذكر مجازي مي‌باشد. رابعاً بايد دقت كرد زماني كه لمّا به عنوان حرف شرط به كار ميرود، هيچ فعلي را جزم نميدهد.

✎ **نکته:** هنگامی «لمّا» از ادوات شرط غیرجازم شرط به شمار می‌رود که بعد از آن فعل ماضی آمده باشد. این حالت بیشتر در متون کهن به چشم میخورد؛ اما در عربی معاصر که مانند زبانهای دیگر در پاره‌ای از موارد، برخی تسامح‌ها به متون زبانی راه یافته است، گاه «لمّا»ی ظرفیه به عنوان ادات غیرجازم شرط در آغاز فعل مضارع نیز به کار رفته است.

۱۴. گزینه ۲

«إذا» و «لما» از ادوات شرط غیر جازم هستند که دائم الاضافه به جمله بعد از خود هستند پس (۲) غلط است.

۱۵. گزینه ٤

وقتی جواب شرط، با فعل جامد شروع شود و یا منفی به "لن یا ما" باشد و یا یکی از انواع طلب باشد، اقتران آن به "فاء" واجب است. در گزینه ٤، فعل مضارع در جواب طلب آمده و فاء موجود "فاء سببیه" است که الحاق آن به فعل جایز است حال آنکه در گزینه ۱ و ۲ و ۳ اقتران جواب به "فاء جزاء" واجب است.

۱٦. گزینه ۱

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

علت خطا بودن گزینه ٤ آن است که اگر فعل شرط و فعل جزاء هر دو مضارع باشند و ادات شرط نیز جازم باشد، هر دو وجوباً مجزوم می‌شوند و چون «يُحِبُّ» مضاعفِ مکسور العين در مضارع می‌باشد حالت‌های جزم آن به یکی از این سه صورت خواهد بود: (يُحْبِبْهُ اللهُ) ـ (يُحِبَّهُ اللهُ) ـ (يُحِبِّهِ اللهُ). و چون در گزینه محل بحث به صورت مرفوع آمده، این گزینه پاسخ تست نخواهد بود.

۱۷. گزینه ۳

وقتی یکی از نواسخ (إنّ، ليس و ...) بر سر ادوات شرط بیاید ادوات شرط به موصول تبدیل شده و دیگر فعل مضارع بعد از خود را مجزوم نمی‌کند، پس گزینه ۱ نادرست است. هرگاه جواب شرط دارای «س یا سوف، ما و لن و یا یکی از انواع طلب باشد و ...» واجب است همراه با «فاء جواب» بیاید. گزینه ٤ نیز به دلیلی که درباره گزینه ۱ گفته شد جزم «يبهجنی» نادرست است.

۱۸. گزینه ۳

اوفِ: فعل مضارع در جواب فعل طلب "اوفوا" آمده و باید مجزوم شود. فارهبونِ: فارهبونی بوده (اگر فعلی به "ی" متکلم وصل شود، ن وقاية بينشان می‌آید).

۱۹. گزینه ۳ و ۲

علت صحیح بودن گزینه ۲ آن است که فعل شرط ماضی و فعل جزاء مضارع است و می‌دانیم در این حالت هم جایز است فعل جزاء مجزوم به ادات شرط جازم باشد و هم می‌تواند مرفوع بوده خبر یک جمله اسمیه باشد که مبتدای آن حذف شده است. از آنجا که آمدن فاء جزاء بر سر جمله اسمیه واجب است ممکن است این فاء جزاء با مبتدا حذف شود و ممکن است باقی بماند. به مثال‌های زیر دقت کنید:

مَنْ عادَ يَنْتَقِمِ اللهُ منه. (جزم فعل جزاء)

مَنْ عادَ فهو يَنْتَقِمُ اللهُ منه.

↓

مَنْ عادَ فَيَنْتَقِمُ اللهُ منه. (حذف مبتدا از جمله اسمیه و ابقاء فاء جزاء)

↓

مَنْ عادَ يَنْتَقِمُ اللهُ منه. (حذف مبتدا از جمله اسمیه به همراه حذف فاء جزاء)

مثال قرآنی برای صحت استعمال گزینه ۲ که در کتاب مبادی (ص ۲۸) نیز آمده است این آیه است: (فَمَنْ يُؤْمِنْ بِرَبِّهِ فَلا يَخافُ بَخْساً وَ لا رَهَقا) أی فهو لا يَخافُ.

۲۰. گزینه ۱

در گزینه اول، با توجه به صیغه فعل که جمع مذکر مخاطب بوده و فعل امر این صیغه بدون الحاق لام امر ساخته می‌شود، پس نمی‌توان این فعل را مجزوم به لام امر دانست، بلکه این فعل قطعا منصوب به لام تعلیل بوده و علامت نصب آن حذف نون اعراب می‌باشد. اما در گزینه‌های ۲، ۳ و ٤ می‌توان فعل را هم مجزوم به لام امر دانست و هم منصوب.

۲۱. گزینه ۳

نکته: زمانی که فعل شرط، ماضی باشد، مرفوع یا مجزوم کردن فعل مضارع جواب شرط جایز است. در این صورت، منصوب نمودن فعل مضارع جایز نیست.

۲۲. گزینه ۱ و ٤

پاسخ اعلامی از سوی سازمان سنجش گزینهٔ ۱ است اما گزینهٔ ۴ نیز خطا است. توضیح آنکه اگر فعل شرط و جزاء هر دو مضارع باشند، هر دو وجوباً مجزوم شده و فاء جزاء بر سر فعل جزاء شرط نمی‌آید (مانند گزینهٔ ۲). ***امّا اگر فعل شرط ماضی و فعل جواب شرط مضارع باشد***، آنگاه در فعل جواب شرط سه وجه جایز است: جزم، رفع بدون اقتران به فاء جزاء، رفع با اقتران به

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

فاء جزاء. مانند: مَنْ دَرَسَ ینجحْ، مَنْ دَرَسَ ینجحُ، مَنْ دَرَسَ فینجحُ (برای چرایی این احکام رک: درسنامهٔ صرف و نحو، بخش نحو، درس ۳۳، ص۲۵۴-۲۵۵). طراح سؤال توجّه نداشته که در گزینهٔ ۴، «تَجِدّي» مضارع است و مشمول این قاعده نمی‌شود.

در صورتی که فعل جواب شرط مقرون به «قد»، «سـ»، «سوف»، «لن»، «ما» و «إنْ» نافیه و «ربما» یا «كأنَّما» باشد، بر سر جملهٔ جواب شرط فاء جزاء وجوباً آمده و طبیعتاً فعل مضارع مجزوم نمی‌شود (علّت خطا بودن گزینهٔ ۱ و صحّت گزینهٔ ۳).

۲۳. گزینه ۲

اگر مبتدا، موصول بوده و خبر آن، شبه جمله باشد، بر سر خبر، فاء وارد می‌شود.
بنابراین گزینه‌های ۱ و ۳ طبق این قاعده صحیح است.
گزینه چهارم نیز با توجه به افاده معنای عموم از عبارت «كلّ طالبٍ» قابل قبول می‌باشد.
در گزینه دوم، با توجه به شروع جمله با حرف مشبهةبالفعل «ليتَ» و نیاز آن به اسم و خبر، نمی‌توان قاعده مذکور را اجرا کرد.

۲٤. گزینه ۳

در این سؤال باید فعل معلوم را مجهول کرده و فعل مجهول را به صورت معلوم در آوریم.

۲٥. گزینه ۱

گزینه های دوم و چهارم غلط هستند چون باید لن اکون شود. گزینه سوم غلط است چون ن در یکن نمی‌تواند حذف شود وقتی که بعدش ال باشد.

۲٦. گزینه ۱

قبل از ذکر جواب شرط، آوردن واو استینافیه و فعل مرفوع جایز نمی‌باشد.

۲۷. گزینه ٤

۲۸. گزینه ۲

من در گزینه یک شرطیه نیست چون عامل بر سرش آمده لذا یطلب و یجد هم مرفوع آمدند.
در گزینه ۳ هم همانند گزینه یک عامل بر سر ما آمده و مانع عمل کردن آن شده است.
در گزینه ٤ چون جواب شرط قد دارد لذا فاء بر سر قد ذمّک وجوباً وارد شده است.
جواب صحیح گزینه ۲ است زیرا لا تشمت باید فاء می گرفت.

۲۹. گزینه ۱

می‌دانیم در اجتماع شرط و قسم، جواب مطابق احکام اوّلی از آن دو می‌آید (گزینه‌های ۲ و ۴). این قاعده دو تبصره دارد: اگر قبل از اجتماع شرط و قسم، مبتدا یا یکی از جانشینان مبتدا (مانند اسم إنّ) بیاید، بهتر است احکام جواب شرط رعایت شود (گزینهٔ ۳). اگر جملهٔ قسم مقرون به فاء بوده و متأخّر واقع شود، جملهٔ جوابْ مطابق احکام جملهٔ جواب قسم آمده و مجموع اسلوب قسم جوابِ شرط واقع خواهد شد؛ بنابراین صحیح در گزینهٔ ۱ چنین خواهد بود: «إنْ قُمْتَ بهذا المسعى المحمود فَوَ اللّهِ لَتَلْهَجَنَّ الألسنةُ بذكرك».

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.